

بسمه تعالی

درس تفسیر دو جامعه الزهرا (س)

محدوده امتحان: ایه یک الی هفتاد

عنوان و نام پدیدآور: ترجمه تفسیر جوامع الجامع /
ابوعلی فضل بن حسن طبرسی؛ ترجمه احمد
امیری شادمهری؛ با مقدمه واعظزاده خراسانی.
مشخصات ظاهری: ۶ ج.

ترجمه تفسیر جوامع الجامع جلد ۱

طبرسی، فضل بن حسن ۴۶۸ - ۵۴۸ ق.
عنوان قراردادی: جوامع الجامع. فارسی

اشاره

این سوره مدنی است و بصریون صد و هفتاد و پنج و کوفیان صد و هفتاد شش ایه برای آن بر شمرده‌اند، زیرا آنان، أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ [در آیه ۴۴] را یک ایه شمرده‌اند. ابی [بن کعب] از رسول خدا (ص) روایت کرده که: «هر کس سوره نساء را بخواند گویی به اندازه هر مسلمانی که طبق مفاد این سوره ارث می‌برد، در راه خدا انفاق کرده است و همچنین پاداش کسی به او داده می‌شود که برده‌ای را آزاد کرده و از شرک پاک شده و در مشیت و اراده خداوند از کسانی است که گناهانشان بخشیده شده است» (۱).
از امیر مؤمنان (ع) روایت شده است که: «هر کس سوره نساء را روزهای جمعه بخواند، چون بمیرد و او را در قبر گذارند، از فشار آن ایمن خواهد بود» (۲).

[سوره النساء (۴): آیه ۱] ... ص: ۵۴۶

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَ
اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا (۱)

-۱

أبي عن رسول الله (ص). من قرأها فكأنما تصدق على كل من ورث ميراثا و أعطى من الأجر كمن اشترى
محررا و برىء من الشرك و كان في مشيئة الله من الذين يتجاوز عنهم.

-۲

عن أمير المؤمنين (ع): من قرأها في كل جمعة أو من من ضغطة القبر إذا أدخل في قبره.
ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۴۷

ترجمه ... ص: ۵۴۷

«به نام خداوند بخشنده بخشایشگر».

ای مردم از پروردگارتان بپرهیزید که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او آفرید، و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت، و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید نام او را می‌برید، (و نیز) از خویشاوندان خود [از قطع ارتباط با آنها] پرهیز کنید، زیرا خداوند مراقب شماست. (۱)

تفسیر: ... ص: ۵۴۷

آیه خطاب به مکلفین از فرزندان آدم (ع) است، و معنایش این است که بپرهیزید از مخالفت با پروردگارتان، کسی که شما را از یک اصل و ریشه که همان وجود آدم (ع) باشد منشعب ساخت. وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا عطف بر محذوفی است که تقدیرش این است: أَنشأها من تراب و خلق حواء من ضلع من أضلاعها خداوند آدم (ع) را از خاک آفرید و حواء (ع) را از یکی از دنده‌های او پدید آورد. وَ بَثَّ مِنْهُمَا و از آدم و همسرش دو نوع انسان، که همان مردان و زنان باشند، آفرید. خداوند انسانهای آفریده شده از نسل آدم (ع) را با صفتی [کثیرا] توصیف کرده است که بیانگر چگونگی به وجود آوردن آنها از آدم (ع) است.

می‌توان گفت خطاب در یا ایها الناس متوجه کسانی است که پیامبر (ص) در میان آنان مبعوث شده است. پس در این صورت و خلق منها زوجها عطف بر خلقکم و معنای آیه این است که خداوند شما و مادرتان حوّا را از آدم آفرید و جز شما امتهای بسیاری را از آدم و حوّا به وجود آورد. تَسْأَلُونَ بِه این جمله بر دو وجه قرائت شده است:

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۴۸

۱- تساءلون به که در اصل تتساءلون به بوده و «تای» دوّم [به خاطر این که با حرف سین قریب المخرج هستند] در سین ادغام شده است.

۲- تساءلون با حذف «تای» دوّم. و معنای آن این است که هر کس از شما بخواهد چیزی از دیگری طلب کند با سوگند دادن به خدا و خویشاوندی خود طلب می‌کند و می‌گوید: تو را به خدا و خویشاوندی میان ما این کار را انجام بده و این سخن از روی استرحام و طلب عطفت گفته می‌شود. و یا معنایش این است که از دیگران با سوگند دادن آنان به خدا و خویشاوندانشان چیزی طلب می‌کنید، و به منظور جمع بین هر دو معنا به جای «تسألون» و «تساءلون» آورده شده است.

وَ الْأَرْحَامَ نَصَب این کلمه یا به خاطر عطف بر «اللّه» و یا بر محل جار و مجرور [به] است، چنان که گفته می‌شود: «مررت بزید و عمرا»، ولی جرّ آن از باب عطف اسم ظاهر بر ضمیر است، و نظیرش در شعر آمده است مانند:

[فالیوم قربت تهجونا و تشتمنا] فاذهب فما بك و الأیام من عجب «۱» .

علمای نحو عطف اسم ظاهر بر ضمیر را جز در هنگام ضرورت نمی‌پسندند.

منظور از آیه این است که مردم با ایمان اقرار می‌کردند که برای آنان آفریننده‌ای هست، و با یاد و نام خدا و ارحام چیزی از یکدیگر مطالبه می‌کردند از این رو خطاب به آنان گفته شده است: «از خدایی که شما را

آفرید و شما یکدیگر را به نام او سوگند می‌دهید بهره‌زید و پیوند و ارتباط با خویشاوندانتان را قطع نکنید. یا منظور این است که بهره‌زید از خدایی که با یاد کردن او و رحم خود، نسبت به یکدیگر ملاحظت و محبت می‌کنید و از سیاق آیه در جمله «و الله و الأرحام» معلوم می‌شود که صله رحم نزد خداوند اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد.

۱- «اکنون که تو- ای خصم- در بدگویی و دشنام دادن ما شتاب ورزیدی، بر همین روش باش، زیرا از تو و خصلت روزگار این عمل شگفت نیست».

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۴۹

چنان که در حدیث آمده است: «رحم به عرش خدا وابسته است»^۱، و از ابن عباس نقل شده که: «رحم به عرش خدا آویخته شده است و چون آن را نزد انجام دهنده‌اش آورند، به او لبخند زند و سخن بگویند و نزد قطع کننده رحم که آورده شود خود را از نظر او پنهان کند»^۲.
رَقِيباً یعنی، خداوند حافظ و مراقب شماست. و برخی گفته‌اند: «رَقِيب» یعنی عالم.

[سوره النساء (۴): آیه ۲] ... ص: ۵۴۹

اشاره

وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا (۲)

ترجمه ... ص: ۵۴۹

و اموال یتیمان را (هنگامی که به حد رشد رسیدند) به آنها بدهید و اموال بد (خود) را با اموال خوب (یتیمان) تبدیل نکنید و اموال آنها را با اموال خودتان نخورید، زیرا این گناه بزرگی است. (۲)

تفسیر: ... ص: ۵۴۹

منظور از «یتامی» کسانی هستند که پدرانشان مرده، و از آنها جدا مانده‌اند «یتیم»، یعنی تنها و از این ریشه است: «دره یتیمه» یعنی مروارید بی‌همتا.

آیه خطاب به سرپرستان یتیمان می‌فرماید: اموال یتیمان را در سن کوچکی به مصرف خودشان برسانید و هنگامی که به سن بلوغ و رشد رسیدند، به آنان بسپارید.

و لَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ و هیچ گاه آنچه را خداوند از اموال یتیم بر شما حرام کرده است با اموال پاک و حلال خود جایگزین نکنید و اموال آنها را به جای

-۱

للرحم حجنة عند العرش.

۲- و عن ابن عباس: الرحم معلقة بالعرش فإذا أتاها الواصل بشت به و إذا أتاها القاطع احتجبت منه.

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۵۰

اموال خود نخورید، و یا منظور این است که عمل نیک نگهداری مال یتیم را به کار پلید خیانت در آن تبدیل نکنید. «تفعل» به معنای «استفعال» است مانند «تعجل» و «تأخر». و لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ و اموال یتیمان را در هنگام مصرف با اموال خودتان مخلوط نکنید تا بر اثر اهمیّت ندادن به حرام و یکسان شمردن حلال و حرام نتوانید میان مال خود و آنان فرق بگذارید. و «حوب»: گناه بزرگ است.

[سوره النساء (۴): آیات ۳ تا ۴] ... ص: ۵۵۰

اشاره

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكُمْ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا (۳) وَآتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا (۴)

ترجمه ... ص: ۵۵۰

و اگر می ترسید از این (به هنگام ازدواج با دختران یتیم) رعایت عدالت درباره آنها نکنید (از ازدواج با آنان صرف نظر کنید و) با زنان پاک (دیگر) ازدواج کنید دو یا سه یا چهار همسر، و اگر می ترسید عدالت را (درباره همسران متعدد) رعایت نکنید تنها به یک همسر قناعت نمایید و یا از زانی که مالک آنها هستید استفاده کنید، این کار بهتر از ظلم و ستم، جلوگیری می کند. (۳)

و مهر زنان را (به طور کامل) به عنوان یک بدهی (یا یک عطیه) به آنها بپردازید، و اگر آنها با رضایت خاطر چیزی از آن را به شما ببخشند آن را حلال و گوارا مصرف کنید. (۴)

تفسیر: ... ص: ۵۵۰

چون آیه پیش در مورد خوردن اموال یتیمان نازل شد. سرپرستان آنها می ترسیدند که جانب عدالت در مورد حقوق یتیمان رعایت نشود و آنها مرتکب ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۵۱

گناه بزرگی شوند، از این رو سرپرستی کردن یتیمان مشکلات و تنگناهایی را برایشان به وجود آورده بود. قبل از اسلام معمول بود که برخی از مردان حجاز تا ده زن و یا کمتر در اختیار داشتند در نتیجه قادر به رعایت حقوق آنان نبودند. آیه فوق به آنان دستور می دهد که اگر می ترسید عدالت را در مورد اموال یتیمان رعایت نکنید و از این بابت خود را در تنگنا می بینید، از رعایت نکردن عدالت در مورد همسران خود و ترک مساوات میان آنان نیز بترسید، زیرا هر کس از گناهی توبه کرد و سپس آن را مرتکب شد، توبه کننده واقعی

نیست.

گفته‌اند: معنای آیه این است که اگر از ظلم کردن در حق یتیمان می‌ترسید، از زنا کردن نیز بترسید. فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ پس با زنان دیگر که بر شما حلالند، ازدواج کنید، و پیرامون زنانی که ازدواج با آنها بر شما حرام است نروید.

مَثْنَى وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ این کلمات محلا منصوبند بنا بر حال بودن، و تقدیر آیه این است: فانكحوا الطيبات لكم من النساء معدودات هذا العدد ثنتين ثنتين و ثلاثا ثلاثا و أربعا أربعا و چون آیه خطاب به تمام مسلمانان است، تکرار عدد دو و سه و چهار لازم شمرده شده، تا هر یک از کسانی را که می‌خواهند دو یا سه و یا چهار همسر داشته باشند شامل شود و بر عدد مورد نظر آنان اطلاق گردد. این تکرار مانند آن است که به گروهی از افراد بگویی: اقساموا هذا المال و هو الف درهم بینکم درهمین و ثلاثه ثلاثه و أربعة أربعة، و اگر اعداد تکرار نمی‌شد مفهومی نداشت و اگر «أو» را به جای «و» به کار می‌بردی و می‌گفتی: أو ثلاثة ثلاثة أو أربعة أربعة به آنها اعلان کردی که تقسیم آن مال جز به یکی از این تقسیمات برای آنها جایز نیست ولی «و» دلالت دارد بر این که می‌توان بین چند نوع تقسیم جمع کرد.

فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً و اگر می‌ترسید از این که عدالت را درباره همین تعداد از همسرانتان رعایت نکنید، چنان که این خوف را در مورد پیش از این

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۵۲

تعداد داشتید، پس تنها یک همسر انتخاب کنید و از همسران متعدّد خود دست بردارید. «فواحدة» به رفع نیز قرائت شده و معنایش این است که یک همسر برای شما کافی است، یا منظور این است که تنها به یک همسر قناعت کنید.

أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ خداوند یک همسر آزاد را با کنیزان بی حدّ و نامعدود از نظر سهولت و سبکتر بودن شرایط آنها] یکسان قرار داده است.

ذَلِكَ اشاره است به انتخاب یک همسر و یا انتخاب کنیزان.

أَدْنَى أَلَّا تَعُولُوا نزدیکتر است [به عدالت] و ترک ظلم و ستم. «تعولوا» از ریشه «عال المیزان» هر گاه ترازو به یک طرف متمایل شود عال فی حکمه هر گاه در حکم خود ستم روا دارد.

وَ آتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً یعنی مهر زنان را با طیب نفس و رضایت خاطر بپردازید. «نحله» و «نحله» و «نحله» از ریشه «نحله کذا» است هر گاه کسی چیزی را با رضایت خاطر به دیگری بدهد، این کلمات گفته می‌شود. در نصب «نحله» چند احتمال وجود دارد:

۱- نصب آن بنا بر مصدر بودن باشد، زیرا «نحله» به معنای عطا کردن است.

۲- یا حال از مخاطبان در آیه است یعنی مهر آنان را بپردازید در حالی که عطا و بخشش شما از روی طیب نفس باشد.

۳- یا حال از «صدقات» است یعنی مهری را که با رضایت خاطر به آنان بخشیدید به آنها بدهید.

گفته‌اند: منظور از «نحله» بخششی است که خداوند به آنان عطا کرده است و خطاب در آیه متوجه شوهران است و برخی معتقدند سرپرستان ایتمام مخاطب می‌باشند، زیرا هر گاه دختر یتیمی ازدواج می‌کرد، مهرش را سرپرست او می‌گرفت.

فَإِنْ طَبِنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ أَيْنَ جَمَلُهُ خَطَابٌ بِهِ شَوْهَرَانٌ أَسْتِ وَ «مِنْهُ»، يَعْنِي أَيْزِ مَهْرِ خُودِ.

«نفسا» تمیز است و مفرد بودن آن از این رو است که مقصود بیان جنس بوده

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۵۳

و یک فرد هم دلالت بر جنس دارد. و معنایش این است که اگر زنان با رضایت کامل و بدون اکراه و تزویر مقداری از مهر خود را به شما بخشیدند.

فَكُلُّوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا يَعْنِي خُورْدَنِ آنِ بَرایِ شَمَا حَلَالِ وَ گُورَا اِسْتِ. «هَنِيئًا» وَ «مَرِيئًا» هَرِ دُو صِفْتِ وَ اَز رِيشِه هِنُو الطَّعَامِ وَ مَرءٍ، يَعْنِي طَعَامِ گُورَا وَ حَلَالِ شَدِه اِسْتِ وَ گَفْتِه اِنْد: «هَنِيءٌ» چِيزِي اِسْتِ كِه خُورْدَنَش لَذْتِ بَخْشِ اِسْتِ وَ «مَرِيءٌ» چِيزِي اِسْتِ كِه بَرایِ مَعْدِه گُورَا وَ اَثْرِ وَ نَتِيجَه اش مَفِيدِ وَ مَطْلُوبِ بَاشْدِ. وَ مِي تُوَانِ گَفْتِ: «هَنِيئًا» وَ «مَرِيئًا» هَرِ دُو حَالِنْدِ اَز ضَمِيرِ دَرِ «كَلُوهُ» .

یعنی بخورید آن را در حالی که گوارا و حلال است. گاهی برای دعا در «فکلوه» وقف و به «هَنِيئًا مَرِيئًا» ابتدا می شود. و این جمله برای حلال دانستن و مبالغه در مباح کردن است.

[سوره النساء (۴): آیات ۵ تا ۶] ... ص: ۵۵۳

اشاره

وَ لَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَ ارزُقُوهُمْ فِيهَا وَ اكسُوهُمْ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (۵) وَ ابْتَلُوا الَّتِي تَأْتِيكُمْ حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَ لَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَ بِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَ مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَ مَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (۶)

ترجمه ... ص: ۵۵۳

اموال خود را که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده به دست سفیهان ندهید و از آن، به آنها روزی دهید و لباس بر آنها بپوشانید و سخن شایسته به آنها بگویید. (۵)

و یتیمان را بیازمایید تا هنگامی که به حد بلوغ برسند، (در این موقع) اگر در آنها رشد (کافی) یافتید اموالشان را به آنها بدهید و پیش از آن که بزرگ شوند، اموال آنها را از روی اسراف نخورید و هر کس (از سرپرستان) بی نیاز است (از برداشت حق الزحمه) خودداری کند و آن کس که نیازمند است به طرز شایسته (و مطابق زحمتی که می کشد) از آن بخورد، و هنگامی که اموالشان را به آنها می دهید بر آنها شاهد بگیرید (اگر چه) خداوند برای محاسبه کافی است. (۶)

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۵۴

تفسیر: ... ص: ۵۵۴

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ نَدَهْدِ [ثروت خود را] به افراد سفیه یعنی زنان و کودکان و اسراف کنندگانی که مال خود را به طور ناشایست خرج می کنند.

أَمْوَالِكُمْ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَاماً أَمْوَالٍ و دارایی خود را که قوام زندگانی و مایه سربلندی شماست. «قوام الشیء و قیامه و قیمه» یعنی آنچه چیزی را محکم و پایدار می سازد. «قیما» نیز قرائت شده است. وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا و اگر یتیمان واجب النفقه شمایند خوراک و پوشاک آنان را از اموال خودتان تأمین کنید. این آیه متضمن یک دستور برای همگان است که مال خود را در اختیار سفیهی که می دانند آن را تباه و به طرز ناشایستی خرج می کند، نگذارند، چه مرد باشد یا زن، خویشاوند باشد یا بیگانه.

وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا با نرمی و خوش زبانی با یتیمان سخن بگویید. «معروف» گفتار و یا کرداری است که مردم به خاطر این که از نظر عقل و شرع نیکوست آن را دوست دارند و «منکر» گفتار و یا کرداری است که آن را به خاطر زشتی اش نمی پسندند.

وَإِتْلُوا الْيَتَامَى و رشد و کمال عقلی یتیمان را قبل از رسیدن به حد بلوغ بیازمایید، تا هنگامی که ادر آستانه بلوغ قرار گرفتند و [وضع آنها از نظر رشد عقلی بر شما آشکار گردید، بدون درنگ اموالشان را به آنان بازگردانید. و نشانه های بلوغ سه چیز است:

۱- دست یافتن به رشد جنسی و محتمل شدن. در این هنگام شخص صلاحیت و شایستگی برای ازدواج کردن را دارد.

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۵۵

۲- رسیدن به سن پانزده سالگی.

۳- رویدن موی زهار.

فَإِنْ أَنْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا و اگر از آشنایی آنان با راههای تصرف در مال، آگاه شدید و آنها را شایسته در دین و آماده برای اصلاح مال یافتید.

فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ پس اموالشان را به آنان بدهید.

«حتی» [در جمله «حَتَّى إِذَا بَلَغُوا» همان است که پس از آن جمله واقع می شود و جمله پس از آن شرطیه است، زیرا «إِذَا» متضمن معنای شرط است و جمله فَإِنْ أَنْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ، که مرکب از شرط و جزاء است، جواب برای شرط اول واقع شده است. و گویی گفته شده: یتیمان را تا زمان بلوغ و هنگامی که مشاهده شود بر اثر رشد فکری استحقاق دریافت اموالشان را دارند، بیازمایید.

«إِسْرَافًا» یا مصدر و در موضع حال است یعنی: «مصرفین مبادرین کبرهم» یا مفعول له و معنایش این است که شما به علت اسراف کردن و شتاب کردن در بزرگ شدن یتیمان، در مصرف اموال آنان کوتاهی می کنید.

وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ آن عده از سرپرستان ایتم که متمکن و بی نیاز باشند، باید از تصرف در اموال یتیمان خودداری و از دارایی خود استفاده کنند و به منظور مهرورزی به یتیم و باقی گذاردن مالش به ثروتی که خداوند روزی آنان کرده، قناعت کنند.

وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ و سرپرستانی که فقیر و نادار باشند، بابت حق الزحمه خود می توانند با رعایت احتیاط در تعیین مقدار آن، به اندازه قوت و غذای خود بردارند، و گفته اند: به مقدار نیازمندی و کفایت خود به عنوان قرض بردارند.

فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ وَ هِرْ گاه یتیمان صلاحیت پیدا کردند و مالشان را به آنها تحویل دادید، شاهد بگیرید بر این که آنها اموالشان را دریافت کرده‌اند. تا بعد دچار تهمت نشوید.

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۵۶

وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا گواهی خداوند و علم او به این که مال یتیمان را به خودشان سپرده‌اید و آنها دریافت کرده‌اند، کافی است. پس باید رفتارشان با یکدیگر صادقانه و دوستانه باشد.

[سوره النساء (۴): آیه ۷] ... ص: ۵۵۶

اشاره

لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا (۷)

ترجمه ... ص: ۵۵۶

برای مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود می‌گذارند سهمی است و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می‌گذارند سهمی، خواه آن مال کم باشد یا زیاد، این سهمی است تعیین شده و لازم الاداء. (۷)

نفس ده

تفسیر: ... ص: ۵۵۶

مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ این جمله «بدل» است از «مما ترک» به دلیل تکرار شدن عامل. [شأن نزول: عربها در دوران جاهلیت تنها مردان را وارث می‌شناختند و زنان را از آن محروم می‌کردند. خدای سبحان این آیه را نازل کرد و فرمود: «زنان نیز مانند مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود به جا گذاشته‌اند سهم می‌برند، کم باشد یا زیاد».

نَصِيبًا مَّفْرُوضًا منصوب است بنا بر اختصاص و تقدیرش: أعنی نصیبا مفروضا است یعنی برای زنان سهمی معین و واجب است که باید آن را به دست آورند. و یا «نصیبا» مصدر و برای تأکید و به معنای «قسمه» مفروضة» است.

این آیه دلالت دارد بر این که قول به «تعصیب» «۱» باطل است، زیرا خداوند

۱- منظور از تعصیب این است که ترکیه از اصل سهام بیشتر باشد، این مسأله از مسائل

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۵۷

میراث را برای زنان و مردان واجب شمرده است.

[سوره النساء (۴): آیات ۸ تا ۱۰] ... ص: ۵۵۷

وَ إِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (۸) وَ لِيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (۹) إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا (۱۰)

ترجمه ... ص: ۵۵۷

و اگر به هنگام تقسیم (ارث) خویشان (و طبقه‌ای که ارث نمی‌برند) و یتیمان و مستمندان حضور داشته باشند چیزی از آن اموال را به آنها بدهید و با آنها به طرز شایسته سخن بگویید (۸) آنها که اگر فرزندان ناتوانی از خود به یادگار بگذارند از آینده آنان می‌ترسند، باید (از ستم درباره یتیمان مردم) بترسند. پس از (مخالفت) خدا بپرهیزند و (با آنها) با نرمی و محبت سخن بگویند (۹) کسانی که اموال یتیمان را از روی ظلم و ستم می‌خورند، تنها آتش می‌خورند و بزودی به آتش سوزانی می‌سوزند. (۱۰)

تفسیر: ... ص: ۵۵۷

خداوند دستور می‌دهد که هنگام تقسیم میراث اگر خویشاوندانی که ارث نمی‌برند حضور داشته باشند چیزی از آن را به آنها بدهید. و این یک دستور مستحبی است، و برخی گفته‌اند، رعایت این دستور واجب است. بعضی معتقدند

عمده‌ایست که شیعه و سنی در آن اختلاف نظر دارند، عامه معتقدند ما زاد ترکه را باید به مردانی داد که پس از ورثه، خویشاوندی نزدیکتری با میت دارند ولی امامیه می‌گویند: این ما زاد را هم باید بین خود ورثه به نسبت سهامشان تقسیم کرد. ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۴-م.

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۵۸

این آیه به وسیله آیه میراث نسخ شده است ولی سعید بن جبیر گوید: برخی گفته‌اند آیه نسخ شده ولی به خدا سوگند که آیه نسخ نشده است، منتها مردم آن را سبک شمرده و بدان عمل نکرده‌اند. منظور از «قول معروف» این است که مردم به هنگام تقسیم ارث با نرمی و ملاحظت با یتیمان و مستمندان سخن بگویند و از آنها عذر خواهی کنند و آنچه را به آنان می‌دهند ناچیز بدانند و در برابر این کمک به آنها منت نگذارند.

«لو» و ما بعد آن صله برای «الذین» است، [برخی معتقدند آیه درباره وصیت نازل شده است] و مقصود از «الذین» وصیت کنندگان هستند و خداوند به آنان دستور داده است از او بترسند درباره یتیمانی که در حریم آنان به سر می‌برند و به آنها محبت کنند، همان گونه که نسبت به فرزندان خود بی‌مناکند که اگر آنها را ناتوان بگذارند [در حقشان اجحاف خواهد شد]. این وضع را در ذهن خود مجسم کنند تا به خود اجازه اهانت به ایتام را ندهند. بنا بر این معنای آیه این می‌شود: آنان که چون مرگشان فرا رسد فرزندان ناتوانی از

خود به جا خواهند گذاشت و می ترسند پس از آنان فرزندانشان به خاطر از دست دادن سرپرست خویش نابود شوند، باید از خدا بترسند از این که درباره یتیمان دیگران ظلم و ستمی روا دارند. وَ لِيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا و سخن موافق شرع با یتیمان بگویند و به نیکی آنان را مورد خطاب قرار دهند. در آیه بعد خداوند خورندگان مال یتیم را تهدید کرده و می فرماید: إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا دَاوِرَانٍ و سرپرستان بدکرداری که از راه ستم مال یتیم را می خورند و به آنها ستم روا می دارند، شکمهایشان پر از آتش می شود. إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا مَنْظُورًا از خوردن آتش، خوردن مال یتیم است زیرا این عمل خورنده را به سوی آتش می کشاند. پس در حقیقت گویی آتش می خورد. ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۵۹ وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا و بزودی گرفتار آتشی می شوند که برای سوزانیدن برافروخته شده است، گفته می شود: صلی النار یصلاها صلیا یعنی حرارت آتش را چشید، و أصلاه الله النار یعنی خدا او را به آتش انداخت. «و سیصلون» نیز قرائت شده است.

[سوره النساء (۴): آیه ۱۱] ... ص: ۵۵۹

اشاره

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَ إِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَ لِأَبْوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَكَدَّ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَكَدَّ وَ وَرَثَةٌ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ يُوصِي بِهَا أَوْ ذَيْنِ آبَاؤِكُمْ وَ أبنَائِكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ إِنْ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱۱)

ترجمه: ۵۵۹

خداوند به شما درباره فرزندانتان سفارش می کند که (از میراث) برای پسر به اندازه سهم دو دختر باشد و اگر فرزندان شما (دو دختر و) بیش از دو دختر بوده باشد دو سوم میراث از آن آنهاست و اگر یکی بوده باشد نیمی (از میراث) از آن اوست و برای پدر و مادر او (کسی که از دنیا رفته است) هر کدام یک ششم میراث است اگر فرزندی داشته باشد و اگر فرزندی نداشته باشد و تنها پدر و مادر از او ارث برند، برای مادر او یک سوم است و اگر او برادرانی داشته باشد مادرش یک ششم می برد (و پنج ششم باقیمانده برای پدر است) (همه اینها) بعد از انجام وصیته است که او کرده است، و بعد از ادای دین است - شما نمی دانید پدران و مادران و فرزندانتان کدامیک برای شما سودمندترند - این فریضه الهی است و خداوند دانا و حکیم است. (۱۱)

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۶۰

تفسیر: ... ص: ۵۶۰

یک ششم است. «فَلأَمَّة» به کسر همزه نیز قرائت شده است، و همزه از کسره ما قبل تبعیت کرده است. مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ «یوصی بها» به صورت مجهول نیز قرائت شده است، یعنی تقسیم ترکه چنان که گفته‌ایم پس از پرداخت دین و اجرای وصیت میت است، و اختلافی نیست در این که ادای دین بر وصیت و میراث مقدم است. گر چه در آیه وصیت مقدم بر دین آمده است و گویی گفته شده پس از انجام ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۶۲

یکی از این دو [ادای دین] باید ارث را تقسیم کرد، و لفظ «او» برای یکی از دو چیز یا یکی از چند چیز است و دلالتی بر ترتیب ندارد.

أَبَاؤُكُمْ وَ أُمَّهَاتُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا شَمَا نَمِي دَانِيد كِه كَدَام يَكُ از پدر و مادر و فرزندانان برای شما نافعترند، آیا کسی که وصیت کرده یا او که وصیت نکرده است؟ یعنی کسی که در مورد مصرف بخشی از مال خود برای خود وصیت کرده شما را در معرض پاداش اخروی قرار داده است و چنانچه وصیت او را تأیید و بدان عمل کنید نفع این شخص برایتان بیشتر است از کسی که وصیت نکرده و مال و ثروت فراوانی برای شما باقی گذارده است.

فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ «فريضة» به عنوان مصدر مؤكّد منصوب شده، و تقدیر آیه فرض الله فريضة است. إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا خدا به مصالح خلق خود داناست و احكام و قوانینی که در مورد میراثها و جز آن واجب کرده، حکیمانه است.

سوره النساء (۴): آیه ۱۲ ... ص: ۵۶۲

اشاره

وَ لَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِيْنَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَ لَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَ إِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةً وَ لَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلْثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ (۱۲)

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۶۳

ترجمه ... ص: ۵۶۳

و برای شما نصف میراث زنانان است، اگر آنها فرزندی نداشته باشند و اگر فرزندی برای آنها باشد یک چهارم از آن شماست، پس از انجام وصیتی که کرده‌اند و ادای دین (آنها) و برای زنان شما یک چهارم میراث شماست اگر فرزندی نداشته باشید و اگر برای شما فرزندی باشد یک هشتم از آن آنهاست، بعد از انجام وصیتی که کرده‌اید و ادای دین، و اگر مردی بوده باشد که کلاله (خواهر یا برادر) از او ارث می‌برد یا زنی که برادر یا خواهری دارد، سهم هر کدام یک ششم است (اگر برادران و خواهران مادری باشند) و اگر بیش از

یک نفر باشند آنها شریک در یک سوّم هستند پس از انجام وصیّتی که شده و ادای دین، به شرط آن که (از طریق وصیّت و اقرار به دین) به آنها ضرر نزند، این سفارش خداست و خدا دانا و حلیم است. (۱۲)

تفسیر: ... ص: ۵۶۳

وَ لَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَاوَدَّ و اگر همسرانتان دارای فرزند یا فرزندزاده‌ای نباشند نصف ترکه آنها به شما شوهران می‌رسد.

فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَاوَدَّ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ و اگر آنها دارای فرزندی از شما یا شوهر دیگری باشند یک چهارم ترکه مال شماست، در این تقسیم سهم زن نصف سهم مرد قرار داده شده، همان طور که اگر ورثه ارتباط نسبی با یکدیگر داشته باشند سهم زن نیز نصف سهم مرد است، و در صورتی که میت بیش از یک زن داشته باشد سهم ۱/۴ یا ۱/۸ به طور مساوی میان آنان تقسیم می‌شود.

وَ إِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً و اگر میت مردی باشد که کلاله از او ارث می‌برد. «یورث» یا از «ورث» و ثلاثی مجرد و یا از «أورث» و ثلاثی مزید است، و در صورتی که آن را ثلاثی مزید بدانیم مقصود از «رجل» وارث خواهد بود نه میت.

«یورث» [فعل و نایب فاعلش] صفت برای «رجل» و «کلاله» خبر برای «کان» است. بنا بر این، دو معنا برای آیه می‌توان بیان کرد:

۱- اگر میت «کلاله» باشد.

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۶۴

۲- اگر وارث «کلاله» باشد.

تفسیر دو

و می‌توان گفت «یورث» خبر «کان» و «کلاله» حال از ضمیر مستتر در آن است. و در مورد معنای «کلاله» اختلاف نظر وجود دارد. از ائمه ما علیهم السلام روایت شده که به برادران و خواهران میت «کلاله» گفته می‌شود. و آنچه در این آیه ذکر شده خواهران و برادران مادری میت و آنهایی که در آخر این سوره ذکر شده‌اند خواهران و برادران مادری و پدری یا پدری تنها می‌باشند بنا بر این «کلاله» کسانی هستند که به واسطه اصل خویشاوندی که همان رابطه پدری و فرزندی است، با میت رابطه خویشاوندی دارند و او را احاطه کرده‌اند، مانند تاجی که بر سر احاطه دارد و آن را در بر می‌گیرد و علت اختلاف در معنای «کلاله» این است که این کلمه مصدر است و بر کسی که نه پدر باشد و نه فرزند و بر میتی که نه پدر بر جای گذاشته و نه فرزند بلکه خواهران و برادرانی از خود باقی گذارده اطلاق می‌شود.

بنا بر این «کلاله» صفت برای میت یا وارث اوست یعنی وارث یا موروثی که دارای «کلاله» است، چنان که گفته می‌شود: «فلان من قرابتی» و منظور این است که فلانی از کسانی است که با من خویشاوندی دارد. اَوْ امْرَأَةً یا زن کلاله‌ای مالش به ارث برده شود.

وَ لَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ یعنی میت دارای برادر یا خواهر مادری باشد.

فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ خواهر و برادر امّی - هر گاه منحصر به فرد باشند - هر کدام یک ششم سهم می‌برند و اگر بیشتر از یک نفر باشند، یک سوّم مال را به طور مساوی بین خود تقسیم می‌کنند. در این صورت سهم زن و مرد یکسان و برابر است.

غَيْرَ مُضَارٍّ یعنی وصیت نباید به ضرر ورثه باشد، و این در صورتی است که میت به بیش از یک سوّم مالش وصیت کرده است یا وصیت به دینی کرده که بر ذمه‌اش نیست و مقصودش ضرر رساندن به وارث باشد. وَصِيَّةٌ مِنَ اللَّهِ «وصیة» مصدر مؤکد است، مانند آیه: فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ.

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۶۵

(نساء/ ۱۲).

وَاللَّهُ عَلِيمٌ خداوند به عمل کسانی که در وقت وصیت نسبت به ورثه خود ستم می‌کنند، آگاه است. حَلِيمٌ نسبت به مجازات ستمکاران، شتاب نمی‌کند. و این تهدیدی برای آنهاست.

[سوره النساء (۴): آیات ۱۳ تا ۱۴] ... ص: ۵۶۵

اشاره

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۳) وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَاراً خَالِداً فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ (۱۴)

ترجمه ... ص: ۵۶۵

اینها مرزهای الهی است، و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند (و مرزهای قوانین او را محترم بشمرد) وی را در باغهایی از بهشت وارد می‌کند که نهرهای آب از زیر درختان آن جاری است و جاودانه در آن می‌مانند و این پیروزی بزرگی است (۱۳) و آن کس که نافرمانی خدا و پیامبرش کند و از مرزهای او تجاوز نماید او را در آتشی وارد می‌کند که جاودانه در آن خواهد ماند و برای او مجازات توهین آمیزی است. (۱۴)

تفسیر: ... ص: ۵۶۵

تِلْكَ اشاره است به احکام و دستوراتی که درباره ارث و یتیمان ذکر شد و خداوند از این رو که احکام و قوانینش مانند مرزهایی است که پیش روی مکلفین قرار گرفته و آنان نباید از آنها تجاوز کنند، آنها را «حدود» نامیده است.

تعبیر به «یدخله» و «خالدین» به اعتبار حمل این دو کلمه بر لفظ «من» [که مفرد است] و معنای آن [که جمع است] می‌باشد.

جمله يَتَعَدَّ حُدُودَهُ دلالت بر این دارد که مقصود از آیه: وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ این است که هر کس از خدا و رسولش نافرمانی کند کافر است، زیرا کسی ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۶۶ جز کافر از همه حدود الهی یعنی واجبات و اوامر و نواهی او تجاوز نمی‌کند.

[سوره النساء (۴): آیات ۱۵ تا ۱۶] ... ص: ۵۶۶

وَ اللَّائِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَأَسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةٌ مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا (۱۵) وَ الْأَذَانِ يَأْتِيَانِهَا مِنْكُمْ فَأَذَوْهُمَا فَإِنْ تَابَا وَ أَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا (۱۶)

ترجمه ... ص: ۵۶۶

و کسانی از زنان شما که مرتکب زنا می‌شوند، چهار نفر از مسلمانان را به عنوان شاهد بر آنها بطلبید، اگر گواهی دادند، آنان (زنان) را در خانه‌های (خود) نگاه دارید تا مرگشان فرا رسد یا این که خداوند راهی برای آنها قرار دهد (۱۵)

و آن مردان و زنانی که (همسر ندارند) و اقدام به ارتکاب آن عمل (زشت) می‌کنند آنها را آزار دهید (و حدّ بر آنها جاری نمایید) و اگر (براستی) توبه کنند و خود را اصلاح نمایند، از آنها درگذرید، زیرا خداوند توبه‌پذیر و مهربان است. (۱۶)

تفسیر: ... ص: ۵۶۶

اُپس از آن که خداوند حکم زنان و مردان را از لحاظ نکاح و میراث بیان کرد، کیفر کسانی را که مرتکب حرام شوند شرح می‌دهد و می‌فرماید: [وَ اللَّائِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ زَنَانِ آزادی که مرتکب فاحشه می‌شوند.

مقصود از «فاحشه» زناست و به خاطر این که زشتی آن بیش از زشتیهای دیگر است از آن تعبیر به «فاحشه» شده است.

فَأَسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةٌ مِنْكُمْ چهار نفر از مسلمانان را بر [زنا] آنان گواه بگیرید.

فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ اگر چهار شاهد گواهی دادند، آنها را

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۶۷

برای همیشه در خانه‌هایتان حبس کنید. تا مرگشان فرا رسد. در آغاز اسلام هر گاه زنی زنا می‌کرد و چهار گواه بر زنا او شهادت می‌دادند، او را در خانه حبس می‌کردند تا جان می‌سپرد، سپس این حکم با آیه: «الرَّائِيَةُ وَ الرَّأِيَةُ ...» «به مرد و زن زناکار هر یک صد ضربه شلاق بزنید» (نور/ ۲) نسخ شد.

أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا و یا این که خداوند راهی برای آنها قرار دهد. منظور ازدواج است که آنها را از بی‌عفتی و زنا دور می‌کند، و گفته‌اند: مقصود از «سبیل» حدّ زناست که تا آن زمان تشریح نشده بود.

روایت شده است که وقتی آیه: الرَّائِيَةُ وَ الرَّأِيَةُ ... نازل شد پیامبر (ص) فرمود: «این حکم را از من بگیرید، خداوند راه را برای آنها تعیین کرد، هر گاه زن و مرد مجردی با یکدیگر زنا کنند، به هر کدام صد ضربه شلاق بزنید و یک سال آنها را تبعید کنید، و هر گاه زن و مرد بیوه‌ای مرتکب عمل منافی عفت شدند، آنها را صد ضربه شلاق بزنید و سنگسار کنید، نزد ما [امامیه] این حکم اختصاص به زن و مرد پیری دارد که مرتکب زنا شده‌اند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّكُمْ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا (۱۹)

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۶۹

ترجمه ... ص: ۵۶۹

ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای شما حلال نیست که از زنان از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آنها) ارث ببرید و آنها را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه به آنها پرداخته‌اید (از مهر) تملک کنید مگر این که آنها عمل زشت آشکاری انجام دهند و با آنان به طور شایسته رفتار کنید و اگر از آنها (به جهاتی) کراهت داشتید، (فورا تصمیم به جدایی نگیرید) چه بسا از چیزی کراهت دارید و خداوند در آن نیکی فراوان قرار داده است. (۱۹)

تفسیر: ... ص: ۵۶۹

مردم جاهلیت هر گونه ظلم و ستمی را در حق زنانشان روا می‌داشتند. این آیه برای نهي آنان از این کار نازل شد رسم مردم جاهلیت این بود که هر گاه مردی می‌مرد، یکی از نزدیکان او (پسر یا ولی‌اش لباسی بر زنش می‌افکند و می‌گفت من به این زن سزاوارتر از دیگران هستم. آن گاه آیه نازل شد که:

لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرْهًا لِأَنَّ لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِمَّا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفْسِكُمْ كَمَا أَنْفَقْتُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ وَأَنْفُسَ إِسْرَائِيلَ وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ مَا نَزَلَ الْكِتَابُ عَلَيْهِ فَلَا يَحِلُّ لَهُ أَنْ يَرْتِيَ نِسَاءَهُمْ مِمَّا نَفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلُ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّكُمْ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّكُمْ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا (۱۹)

راضی به این امر نیستند و یا مجبور شده‌اند.

کلمه «کرها» به فتح کاف و ضمّ آن (کرها) هر دو قرائت شده است.

گفته‌اند: مردم جاهلیت زنان را حبس می‌کردند تا این که بمیرند [و مالشان را به ارث ببرند] و در آیه مورد بحث به آنها گفته شده برای شما جایز نیست که زنان را بر زوجیت خود باقی بگذارید تا این که بمیرند و از آنها ارث ببرید، در صورتی که به این کار راضی نیستند. برخی از مردان به منظور ضرر رساندن به زنانشان آنها را به حال خود باقی می‌گذارند [و طلاقشان نمی‌دادند] تا این که مجبور شوند قسمتی از مال خود را برای رها شدن از اسارت شوهرشان فدا کنند. سپس گفته شده:

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۷۰

وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ «عضل» به معنای حبس و در تنگنا قرار دادن است و بهتر این است که «لا تعضلوهن» منصوب و عطف بر «أن ترتوا» و «لا» برای تأکید نفی باشد، یعنی حلال نیست برای شما که از زنان ارث ببرید و نیز روا نیست که آنها را از ازدواج منع کنید.

إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّكُمْ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ مگر این که عمل زشت آشکاری انجام دهند، یعنی از ادای وظایف همسری خودداری کنند و با بد زبانی و نافرمانی نسبت به شوهر به اذیت و آزار او و افراد خانواده‌اش بپردازند، و مقصود این است که اگر سوء معاشرت از جانب زنها باشد شما در مطالبه خلع یعنی درخواست بخشیدن مهر

بِكَلِمَةِ اللَّهِ.

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۷۳

«مقتی» (فرزندان مورد تنفر) می‌نامیدند، از این رو خدای سبحان فرموده «و مقتا»، و معنای آیه این است که با زنانی که پدران شما با آنها ازدواج کرده‌اند ازدواج نکنید. سپس در جمله «إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ» ازدواجهایی که در گذشته صورت گرفته استثنا شده است چنان که «غیر آن سیوفهم» در کلام شاعر استثنا شده است: و لا عیب فیهم غیر آن سیوفهم بهن فلول من قراع الکتائب «۱»

منظور آیه این است: اگر اکنون برای شما ازدواج با زنانی که در گذشته همسران پدرانتان بوده‌اند امکان داشت، با آنها ازدواج کنید، ولی انجام آن ممکن نیست و جز ازدواجهایی که در گذشته انجام شده بر شما حلال نمی‌باشد. و به منظور تأکید بر حرمت این عمل می‌فرماید:

إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً چنین عملی در دین خدا بسیار زشت است.

و مَقْتًا: یعنی زشت و منفور و دور از جوانمردی است. و زشتی آن بیش از حدّ و غیر قابل تصوّر است.

و سَاءَ سَبِيلًا یعنی این ازدواج فاسد و زشت، روش نادرست و بدی است.

[سوره النساء (۴): آیه ۲۳] ... ص: ۵۷۳

اشاره

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَ بَنَاتُكُمْ وَ أَخَوَاتُكُمْ وَ بَنَاتُكُمْ وَ خَالَاتُكُمْ وَ بَنَاتُ الْأَخِ وَ بَنَاتُ الْأُخْتِ وَ أُمَّهَاتُكُمْ اللَّاتِي
أَرْضَعْتَكُمْ وَ أَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرِّضَاعِ وَ أُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَ رَبَائِبُكُمْ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ
بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَ خَالَاتُكُمْ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَ أَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ
الْأَخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا (۲۳)

۱- نیست عیبی در آن قوم، جز این که لبه شمشیرهایشان از ضربه گروه‌های جنگجو شکسته است. [...]

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۷۴

ترجمه ... ص: ۵۷۴

حرام شده است بر شما [نکاح با] مادرانتان و دخترانتان و خواهران و عمه‌ها و خاله‌ها و دختران برادر و دختران خواهر شما و مادرائی که شما را شیر داده‌اند و خواهران رضاعی شما و مادران همسر و دختران همسران که در دامن شما پرورش یافته‌اند، از همسرانی، که با آنها آمیزش جنسی داشته‌اید پس اگر با مادران آنان آمیزش نکرده‌اید (دختران آنها) برای شما مانعی ندارد و (و نیز) همسران پسرانتان که از نسل شما هستند (نه پسر خوانده‌ها) و (نیز حرام است بر شما) که جمع کنید میان دو خواهر مگر آنچه در گذشته واقع شده خداوند آمرزنده و مهربان است. (۲۳)

تفسیر: ... ص: ۵۷۴

مقصود آیه حرمت ازدواج با این زنان است، زیرا [حرمت به ذات شیء تعلق نمی‌گیرد و] از این که فرموده حرام است بر شما مادرانتان فهمیده می‌شود که ازدواج با آنها بر شما حرام است. چنان که از تحریم خمر حرمت شرب آن و از تحریم «میته» حرمت خوردن آن فهمیده می‌شود.

جمله «أُمَّهَاتُكُمْ» شامل جدّه مادری و پدری و طبقات بالاتر از آن می‌شود چنان که حرمت ازدواج با دختران در «بناتکم» دختر و دختر دختر و دختر پسر و فرزندان نسلهای بعدی آنها را نیز شامل می‌شود. و أَخَوَاتُكُمْ این جمله متضمن حرمت ازدواج با خواهرانی است که با انسان از یک پدر یا یک مادر یا از یک پدر و مادر باشند.

«عمات» [جمع عمّه] تمام خواهران پدر را که ارتباط او با آنها نسبی و از طریق ولادت باشد، شامل می‌شود، چه عمه پدری یا عمه مادری باشد، ازدواج با آنها حرام است.

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۷۵

«خالات» [جمع خاله] تمام خواهران مادر را که ارتباط او با آنها نسبی و از طریق ولادت باشد شامل می‌شود، چه خاله پدری یا مادری باشند، ازدواج با آنها حرام است.

وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأَخْتِ تمام دختران برادر و دختران خواهر را چه برادر و خواهر پدری باشند یا مادری شامل می‌شود، چه دختران خودشان باشند یا دختران فرزندان آنان ازدواج با آنها حرام است.

این هفت دسته زنانی هستند که از راه نسب با انسان محرمند، و ازدواج با آنها حرام است، سپس خدای متعال محارم سببی را ذکر کرده و فرموده:

وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ و مادرانی که شما را شیر می‌دهند، قرآن زنانی را که به انسان شیر داده‌اند مادر نامیده است، زیرا شیرخوارگی به منزله نسب می‌باشد، چنان که زنانی را که انسان با آنها از یک پستان شیر خورده است خواهر نامیده و فرموده است:

وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ و خواهران رضاعی شما. بنا بر این شوهر زنی که بچه‌ای را شیر داده پدر آن کودک و پدر و مادر او جد و جدّه و خواهرش عمّه او به حساب آمده و فرزندانی که از غیر آن زن دارد- چه پیش از رضاع به دنیا آمده باشند یا بعد از آن- خواهر و برادر پدری آن طفل می‌باشند و مادر زنی که بچه را شیر داده جدّه و خواهرش خاله [و برادرش دایی] او و فرزندانی که از این شوهر دارد برادر و خواهر پدری و مادری او محسوب می‌شوند و اگر آن زن فرزندانی از غیر این شوهر داشته باشد برادر و خواهر مادری طفل خواهند بود.

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمود: «تمام کسانی که از راه نسب بر انسان حرام می‌شوند از راه شیر خوارگی نیز حرام می‌شوند» «۱». این حدیث دلالت می‌کند

-۱-

یحرم من الرّضاع ما یحرم من النّسب.

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۷۶

بر این که هفت گروهی که از راه خویشاوندی حرام گردیده از راه شیر خوارگی نیز حرام شمرده شده است. سپس می‌فرماید:

وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ یعنی نکاح مادر زن نیز حرام است، اعم از این که مادر خود زن یا مادر مادرش یا مادر پدرش باشد و اعم از این که مادر نسبی یا رضاعی او باشد. مادر زن به مجرد عقد دخترش، حرام می‌شود اعم از این که این عقد آمیزشی به دنبال داشته باشد یا نه.]

وَرَبَائِكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ و دختران همسرانتان که از شوهران دیگر می‌باشند و در ضمان و تربیت شما هستند، بر شما حرامند و علت این که فرزند زنی که از شوهر قبلی‌اش دختر یا پسر دارد، «ربیب» یا «ربیبه» نامیده شده این است که شوهر بعدی آن زن غالباً دختر و پسر زن را مثل فرزند خود تحت تربیت و سرپرستی قرار می‌دهد، و به همین خاطر دختر زن و دختر دختر او و دختر پسرش بر شوهر حرام است. زیرا همه اینها را ربیبه می‌نامند.

مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ این جمله متعلق است به «ربائبکم» و معنایش این است که ربیبه موقعی بر شخص حرام است که با مادر او آمیزش کرده باشد و در غیر این صورت حرام نمی‌باشد. دخول در این جا کنایه از جماع است، چنان که گفته می‌شود: «بنی علیها و ضرب علیها الحجاب» [و هر دو تعبیر کنایه از این است که مرد با همسر خود آمیزش کرده است]، بنا بر این «دخلتم بهن» به معنای «أدخلتموهن الستر» است و «باء» برای تعدیه می‌باشد.

به نظر ابو حنیفه، دخول به معنای جماع و کارهایی است که به منزله جماع می‌باشد مثل عریان کردن، لمس از روی شهوت و ... و مذهب ما نیز همین است.

وَ حَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ یعنی ازدواج با همسر فرزندان صلبی شما بر شما حرام است، ولی همسر کسانی که پسر خوانده شما هستند حرام نیست. رسول خدا (ص) با زینب دختر حش همسر مطلقه زید بن حارثه [که پسر خوانده او بود] ازدواج کرد. ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۷۷

وَ أَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ این جمله در محلّ رفع است، یعنی حرام است بر شما که جمع کنید میان دو خواهر در عقد ازدواج و نیز دو کنیز که با یکدیگر خواهر باشند، البته یک فرد می‌تواند دو کنیز را که با همه خواهرند، مالک شود.

إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ ولی شما بر آنچه گذشته است مؤاخذه نمی‌شوید، به دلیل فرموده خداوند: إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا: خدا آمرزنده و مهربان است.

زنانی را که از طریق نسب یا سبب ازدواج با آنها برای همیشه ممنوع است «مبهمات» «۱» می‌نامند، زیرا ازدواج با آنها از هر جهت و در هر زمانی حرام است.

ابن عباس می‌گفت: خداوند هفت گروه از زنان را به نسب و هفت گروه را به سبب حرام کرده است و همین آیه را تلاوت می‌کرد، سپس می‌گفت هفتم این است:

وَ لَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ «با زنانی که پدرانتان با آنها ازدواج کرده‌اند، نکاح نکنید» (نساء / ۲۲).

۱- این کلمه از «بهیم» گرفته شده و منظور حیوانی است یک رنگ که رنگهای دیگری با رنگ او نیامیخته باشد. و علت این که این زنان را «مبهمات» گویند این است که نقطه‌ای برای حلّیت ازدواج در مورد آنها وجود ندارد (ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۵ ص ۹۶).

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۷۹

جزء پنجم سوره نساء آیه ۲۴ تا آیه ۱۴۷
ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۸۱

[سوره النساء (۴): آیه ۲۴] ... ص: ۵۷۸

اشاره

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأَحْلَلْنَا لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۲۴)

ترجمه ... ص: ۵۸۱

زنان شوهردار (بر شما حرام است) مگر آنها را که مالک شده‌اید. اینها احکامی است که خداوند بر شما مقرر داشته و زنان دیگر غیر از اینها (که گفته شد) برای شما حلال است، که با اموال خود آنها را اختیار کنید، در حالی که پاکدامن باشید و از زنا خودداری نمایید و زنانی را که متعه می‌کنید مهر آنها را واجب است بپردازید و گناهی بر شما نیست به آنچه با یکدیگر توافق کرده‌اید، بعد از تعیین مهر، خداوند دانا و حکیم است. (۲۴)

نفس ده

تفسیر: ... ص: ۵۸۱

کلمه «المحصنات» در این آیه به فتح صاد قرائت شده است یعنی زنانی که شوهر دارند بر شما حرام هستند. إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مگر زنانی که اسیر شده‌اند و در سرزمین کفر دارای شوهر هستند. ازدواج با آنها با این که شوهر دارند بر شما حلال است.

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۸۲

كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ «کتاب» مصدر [منصوب] و برای تأکید بوده و تقدیر آیه:
کتب الله ذلك عليكم کتابا است یعنی آنچه بر شما حلال و آنچه بر شما حرام است خداوند برای شما معین ساخته پس حلال خدا را حلال و حرام او را حرام بدانید و به آن عمل کنید.
وَأَحْلَلْنَا لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ این جمله عطف است بر فعل مقدری که «کتاب الله» را نصب داده و کسانی که «أحل لكم» به صیغه مجهول قرائت کرده‌اند، آن را عطف بر «حرمت علیکم» دانسته‌اند.
«أن تبغوا» مفعول له است و معنای جمله این است: آنچه حلال و یا حرام است برای شما بیان شده تا به وسیله اموالتان نکاحی را طلب کنید که در آن پولی را بابت مهر [در مورد زن آزاد] و یا خریدن [در مورد کنیز] بپردازید. بنا بر این مفعول «تبغوا» در تقدیر است. و می‌توان گفت «أن تبغوا» بدل از «ما وراء ذلك» است.

مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ یعنی زنان پاکدامن و غیر زناکار. مصدر آن «احصان» به معنای عفت و پاکدامن

بودن و حفظ کردن نفس از وقوع در فعل حرام است. گفته شده: مقصود از «محصنین» ازدواج کنندگان هستند.

فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ وَ هَرَّاهُ مِنْهَا كَسْبُ لَدَّتْ كَرَدِيدٍ. فَأَتَوْهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِسِمْعَانِ مَهْرَ شَانِ رَا بَدَهَيْدِ. مَنْظُورُ اَز «مَا» زَنَانِ هَسْتَنْدِ وَ ضَمِيرِ «بِهِ» دَر لَفْظِ بَه «مَا» وَ دَر مَعْنَا بَه «فَأَتَوْهُنَّ أَجُورَهُنَّ» بَر مِی گَرَدَدِ.

ابن عباس و سعید بن جبیر و ابن مسعود و گروهی از تابعین گویند: منظور عقد منقطع (متععه) است که در آن مهر و مدت معین می‌شود. و مذهب ائمه (ع) همین است.

از جماعتی از صحابه که ابی بن کعب، عبد الله بن عباس و عبد الله بن مسعود از آنها نقل شده که [ایشان قرائت کرده‌اند: «فما استمتعتم به منهن إلى أجل مسمى فأتوهن أجورهن» یعنی زانی را که با عقد متعه به نکاح خود در آورده‌اید اجرتشان را بپردازید، و پرداخت آن با خود عقد واجب شده، و تنها در نکاح متعه با جاری شدن عقد تمام مهر واجب می‌شود.

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۸۳

وَ لَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ فِیْمَا تَرَاضِیْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِیضَةِ یعنی اگر پس از پایان یافتن مدت «عقد متعه» با یکدیگر توافق کنید که عقد را تجدید کنید گناهی بر شما نیست.

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا خداوند داناست و از روی حکمت و مصلحت عقد نکاح را که به وسیله آن اموال و انساب مردم محفوظ می‌ماند، واجب کرده است.

سوره النساء (۴): آیه ۲۵ ... ص: ۵۸۳

اشاره

وَ مَنْ لَمْ یَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ یَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضٌ فَمَنْ كَفَرَ فَمَنْ كَفَرَ بِذُنِّ أَهْلِهَا وَ أَتَوْهُنَّ بِأَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ الْمُحْصَنَاتِ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَ لَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أَحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَ أَنْ تَضْبُرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۵)

ترجمه ... ص: ۵۸۳

و آنها که توانایی ازدواج با زنان (آزاد) پاکدامن با ایمان ندارند، می‌توانند با زنان پاکدامن از بردگان با ایمانی که در اختیار دارید ازدواج کنند.

خدا آگاه به ایمان شماست، و همگی اعضای یک پیکرید و با آنان به اجازه صاحبان آنان ازدواج نمایید و مهر آنان را به خودشان بدهید، مشروط بر این که پاکدامن باشند نه مرتکب زنا به طور آشکار شوند و نه دوست پنهانی بگیرند، و در صورتی که «محصنه» باشند و مرتکب عمل منافی عفت شوند نصف مجازات زنان آزاد را خواهند داشت، این اجازه (ازدواج با کنیزان) برای آنهاست که (از نظر گزینه جنسی) شدیداً در زحمت باشند و اگر خودداری کنید برای شما بهتر است و خداوند آمرزنده و مهربان است. (۲۵)

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۸۴

وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا «طول» [بر وزن قول] به معنای فزونی و زیادی مال است یعنی کسانی که ثروت زیادی ندارند و توانایی مالی آنان در حدی نیست که بتوانند با زنان آزاد ازدواج کنند.
فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ باید با یکی از کنیزانی که شما در اختیار دارید ازدواج کنند.
خطاب در این آیه متوجه مسلمانان است.
من فتیاتکم، منظور این است که با کنیزان مسلمان ازدواج کنند نه با کنیزان غیر مسلمان که در دین با شما اختلاف دارند.

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ خداوند آگاه‌تر است به برتری و نقصان ایمان هر یک از شما نسبت به دیگری، چه بسا ایمان یک کنیز از ایمان یک زن آزاد برتر باشد و زن در ایمانش افضل از مرد باشد. پس بر شما لازم است که برتری در ایمان را ملاک ارزش و اعتبار بدانید نه بزرگی در اصل و نسب را.
بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ یعنی شما و بردگانتان با یکدیگر تناسب دارید زیرا شما همه اهل ایمان و تابع یک دین هستید، بنا بر این از ازدواج با کنیزان خودداری نکنید.
فَأَنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ضمیر در «فانکحوهن» به «فتیات» بر می‌گردد، یعنی با کنیزان با ایمان با اجازه صاحبانشان ازدواج کنید و مهرشان را بدون تأخیر و ضرر رساندن به آنها بپردازید.
منظور از «و آتوهن» این است که مهرشان را به صاحبانشان بپردازید، زیرا آنها مالک مهر کنیزانشان هستند، و تقدیر آیه، فآتوا موالیهن است و مضاف حذف شده است.
مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ با آنها که پاکدامن بوده و از زنا و آشکار و پنهان خودداری می‌کنند (ازدواج کنید).
وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ «أخدان» به معنای دوستانی است که انسان پنهانی با آنها ارتباط دارد. (و نه دوست پنهانی می‌گیرند) فَإِذَا أَحْصَيْتَ كَسِيًّا كَسِيًّا کسی که به ضم همزه [و کسر صاد] قرائت کرده معنای جمله ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۸۵

این است: هنگامی که کنیزان تزویج شوند، و شوهرانشان آنها را به ازدواج خود درآورند. و کسی که به فتح همزه [و صاد] قرائت کرده معنایش این است: هنگامی که اسلام بیاورند. و گفته‌اند: یعنی هر گاه کنیزان پاکدامن با ازدواج کردن، عفت خود را حفظ کردند.

فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ یعنی اگر زنا کنند.
فَعَلَيْهِنَّ نِصْفٌ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ باید نصف حد زنان آزاد را که پنجاه تازیانه است بر کنیزان جاری کرد. منظور از عذاب حد زناست چنان که در این آیه است: وَ لِيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا «و باید مجازات آن دو بدکار را جمعی از مؤمنان مشاهده کنند» (نور / ۲).

از آیه مورد بحث چنین استنباط می‌شود که مجازات کنیزان پاکدامنی که مرتکب عمل منافی عفت شده‌اند سنگسار کردن آنان نیست، زیرا «رجم» قابل تنصیف نمی‌باشد.

ذَلِكَ لِمَنْ حَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ نکاح با کنیزان برای کسانی است که بترسند طغیان شهوت آنها را به گناه و معصیت بکشاند.

«عنت» [بر وزن غلط] در اصل به معنی باز شکستن استخوانی است که قبلاً شکسته شده یعنی پس از

بهبودی و التیام، دوباره بر اثر حادثه‌ای بشکنند. بدیهی است این نوع شکستگی بسیار دردناک و رنج آور است، و به همین دلیل «عنت» بر سبیل استعاره در رنجه‌ها و زیانهای طاقت فرسا استعمال شده است، و زبانی بزرگتر از مرتکب زناشدن وجود ندارد.

وَ أَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ یعنی خودداری کردن از ازدواج با کنیزان تا آنجا که دامانتان به گناه آلوده نشود، به سود شماست.

سوره النساء (۴): آیات ۲۶ تا ۲۸ ... ص: ۵۸۵

اشاره

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذَيِّبَنَّكُمْ وَ يَهْدِيَكُمْ سُنْنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۲۶) وَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَ يُرِيدَ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا (۲۷) يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَ خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا (۲۸)

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۸۶

ترجمه ... ص: ۵۸۶

خداوند می‌خواهد (با این دستورها راههای سعادت و خوشبختی را) برای شما آشکار سازد، و به سنتهای (صحیح) پیشینیان رهبری کند، و شما را از گناه پاک سازد و خداوند دانا و حکیم است (۲۶)

خدا می‌خواهد شما را ببخشد (و از آلودگی پاک نماید) اما آنها که پیرو شهواتند می‌خواهند شما بکلی منحرف شوید (۲۷)

خدا می‌خواهد (با دستورهای مربوط به ازدواج با کنیزان و مانند آن) کار را بر شما سبک کند، و انسان، ضعیف آفریده شده است. (۲۸)

تفسیر: ... ص: ۵۸۶

اصل آیه: يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذَيِّبَنَّكُمْ است و لام برای تأکید بر اراده تبیین افزوده شده است چنان که در جمله «لا أبا لك» برای تأکید بر اضافه «أب» لام افزوده شده است. و منظور این است که خداوند می‌خواهد آنچه را بر شما پوشیده مانده و از مصالح شماست بیان کند.

وَ يَهْدِيَكُمْ سُنْنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ خداوند می‌خواهد شما را به سنتهای پیشینیان یعنی پیامبران و پیروان حق هدایت کند تا به آنها اقتدا کنید.

وَ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ و توبه شما را بپذیرد.

وَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ اراده خداوند این است که شما را موفق به توبه کند و انگیزه‌های توبه را در شما تقویت نماید.

وَ يُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ و آنها که اهل باطلند و از هوا و هوس خویش پیروی می‌کنند.

أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا می‌خواهند با کمک و مساعدت و توافق خویش شما را از راه راست منحرف سازند، زیرا انحرافی بزرگتر از موافقت با پیروی از شهوات نیست.

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۸۷

يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ خَدَاوند می‌خواهد با حلال کردن [ازدواج با] کنیزان و مجوزهای دیگر کار را بر شما آسان کند.

وَ خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا انسان ضعیف آفریده شده و در برابر هوای نفس و سختی و رنج طاعت مقاومت نمی‌کند.

[سوره النساء (۴): آیات ۲۹ تا ۳۰] ... ص: ۵۸۷

اشاره

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَ لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (۲۹) وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُذْوَانًا وَ ظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيه نَارًا وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۳۰)

ترجمه ... ص: ۵۸۷

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید، مگر این که تجارتي باشد که با رضایت شما انجام گیرد، و خودکشی نکنید. خداوند نسبت به شما مهربان است (۲۹) و هر کس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد به زودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت و این کار برای خدا آسان می‌باشد. (۳۰)

تفسیر: ... ص: ۵۸۷

مقصود از خوردن اموال، سایر تصرفات است و منظور از باطل هر چیزی است که شرع آن را مباح ندانسته است، مانند ربا، قمار، خیانت، ظلم و سرقت. إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ نصب این جمله بنا بر این است که به معنای إِلَّا أَنْ تَكُونَ التِّجَارَةُ تِجَارَةً عن تراض منكم باشد [که در این صورت تجارة] خبر برای کان است [و رفع آن بنا بر این است که به معنای «إلا أن تقع تجارة» باشد، [که در این صورت کان تامه است] و بنا بر هر دو وجه استثنا منقطع و معنای جمله چنین است: ولی تجارتي که با رضایت طرفین معامله انجام گیرد، نهی نشده است. «عن تراض» صفت برای «تجارة» است یعنی تقدیر آیه «تجارة صادرة عن تراض» می‌باشد و «تراضی» به معنای رضایت طرفین معامله است به آنچه در وقت معامله پیمان بسته‌اند.

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۸۸

وَ لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ در معنای این جمله چند قول است:

۱- با کسانی که قدرت مقابله با آنان را ندارید نجنگید تا کشته نشوید.

۲- برخی گفته‌اند: یکدیگر را نکشید، زیرا شما پیرو یک آیین و مانند یک روح هستید.
۳- انسان نباید خود را به قتل برساند، چنان که برخی از افراد نادان در حال خشم و بی‌قراری دست به خود کشی می‌زنند.

إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا خدایوند همواره نسبت به شما مهربان است و نشانه رحمتش این است که شما را از آنچه به زیانتان هست، نهی می‌کند.

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ آثَارَهُ است به قتل نفس یعنی کسی که از روی ستم و دشمنی نه از روی خطا و یا به منظور تقاص گرفتن، اقدام به قتل نفس کند.

فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا: بزودی او را در آتش مخصوص و عذاب سخت می‌سوزانیم.

[سوره النساء (۴): آیات ۳۱ تا ۳۲] ... ص: ۵۸۸

اشاره

إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلِكُمْ مَدْخَلَ كَرِيمًا (۳۱) وَ لَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۳۲)

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۸۹



ترجمه ... ص: ۵۸۹

اگر از گناهان کبیره‌ای که از آن نهی شده‌اید اجتناب کنید، گناهان کوچک شما را می‌پوشانیم و در جایگاه خوبی شما را وارد می‌سازیم (۳۱)
برتری‌هایی را که خدایوند نسبت به بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده، آرزو نکنید. مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند و زنان نصیبی (و نباید حقوق هیچ یک پایمال گردد) و از فضل (و رحمت و برکت) خدا بخواهید و خدایوند به هر چیز داناست. (۳۲)

تفسیر: ... ص: ۵۸۹

درباره «گناه کبیره» اختلاف شده است: اصحاب ما (امامیه) گفته‌اند: همه گناهان از لحاظ زشتی کبیره‌اند، ولی برخی از برخی بزرگترند [و هیچ گناهی کوچک نیست] و اگر کوچک باشد نسبت به گناهی است که از آن بزرگتر و کیفر آن شدیدتر است و نظیر این است سخن ابن عباس که: هر گناهی که خدایوند از آن نهی کرده کبیره است. و نیز قول مجاهد و سعید بن جبیر که می‌گویند: گناه کبیره آن است که در دنیا حدّ و در آخرت کیفر داشته باشد. و معنای آیه این است که: اگر از گناهان کبیره‌ای که تا کنون در این سوره از آن نهی شده‌اید از قبیل: زنا، اکل مال به باطل و ... اجتناب کنید و در آینده نیز مرتکب آنها نشوید.
نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ از گناهانی که در گذشته مرتکب شده‌اید. چشم پوشی می‌کنیم. مؤید این مطلب قول

خدای سبحان است که می‌فرماید: قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِن يَنْتَهُوا يُعْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ «به مردم کافر بگو اگر باز گردند، گذشته آنها بخشوده می‌شود» (انفال / ۳۸).

ابن مسعود گفته است: هر چه خداوند از اول سوره تا آیه ۳۰ از آن نهی کرده، گناه کبیره است. و روایت شده است که مردی از ابن عباس پرسید: آیا گناهان کبیره هفت تا است؟ گفت: به هفتصد نزدیکتر است تا هفت، جز این که گناه با اصرار بر آن صغیره نیست و با استغفار از آن کبیره نیست.

«مدخلا» به ضم و فتح میم قرائت شده است، و بنا بر هر دو وجه ممکن است مصدر یا اسم مکان باشد.

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۹۰

و لَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ در این آیه از حسد نهی شده است و می‌فرماید نباید آرزو کنید آنچه خداوند به وسیله آن برخی از مردم را بر برخی دیگر از نظر مقام و ثروت برتری داده است، زیرا این برتری داشتن از جانب خدایی تعیین شده که به احوال بندگان آگاه است، از این رو مردم باید به آنچه خداوند طبق حکمت و علمش به مصالح بندگان معین فرموده، راضی باشند.

لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا خدای سبحان نصیبی را که برای هر یک از زنان و مردان بر حسب مصالحشان در نظر گرفته شده، کسب نامیده است.

وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ و به برتری که به دیگران داده شده حسد نورزید ولی از فضل بی‌پایان خدا مسألت کنید. سفیان بن عیینه گوید: خداوند ما را به سؤال امر نکرده مگر برای این که خواسته ما را عطا کند.

سوره النساء (۴): آیات ۳۳ تا ۳۴ ... ص: ۵۹۰

اشاره

وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِيَّ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَ الَّذِينَ عَقَدْتُمْ أَيْمَانَكُمْ فَأَتَوْهُمْ نَصِيْبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيداً (۳۳) الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ أَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً كَبِيراً (۳۴)

ترجمه ... ص: ۵۹۰

برای هر کسی وارثانی قرار دادیم که از میراث پدر و مادر و نزدیکان ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۹۱
ارث ببرند و (نیز) کسانی که با آنها پیمان بسته‌اید نصیبشان را بپردازید.

خداوند بر هر چیز شاهد و ناظر است (۳۳)

مردان سرپرست و خدمتگزار زنانند به خاطر برتریهایی که (از نظر نظام اجتماع) خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر (انفقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند، و زنان صالح، آنها هستند که متواضعند و در غیاب (همسر خود) حفظ اسرار و حقوق او را در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، می‌کنند،» و (اما) آن دسته از زنان را که از طغیان و مخالفتشان بیم دارید پند و اندرز دهید و (اگر مؤثر واقع نشد) در بستر از آنها دوری نمایید و (اگر آن هم مؤثر نبود) آنها را تنبیه کنید و اگر از شما

پیروی کردند به آنها تعدی نکنید (و بدانید) خداوند بلند مرتبه و بزرگ است (و قدرت او بالاترین قدرتهاست). (۳۴)

تفسیر: ... ص: ۵۹۱

بار دیگر قرآن به مسائل ارث برگشته و می‌فرماید: **وَ لِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ** یعنی برای هر یک از زنان و مردان وارثانی قرار داده‌ایم که به میراثشان از دیگران سزاوارترند.
مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَ الْأَقْرَبُونَ از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان به جای گذاشته‌اند ارث می‌برند.
وَ الَّذِينَ عَقَدْتَ أَيْمَانَكُمْ هم پیمانان شما نیز دارای ورثه‌ای هستند که به ارث بردن از ایشان سزاوارترند و از آنها ارث می‌برند. این عبارت عطف است بر «الوالدان و الأقربون» و ضمیر در «فأتوهم» به «موالی» بر می‌گردد. و می‌توان گفت در «ترک» ضمیری مستتر است که به «لکل» بر می‌گردد. و الوالدان و الأقربون، «موالی» را تفسیر می‌کند و گویی سؤال شده: «موالی» چه کسانی هستند؟ گفته شده: پدر و مادر و خویشاوندان.

الَّذِينَ عَقَدْتَ أَيْمَانَكُمْ مبتدا و متضمن معنای شرط است، از این رو خبر آن «فَأَتَوْهُمْ نَصِيحَتَهُمْ» با فاء جزا آمده است، و مقصود خویشاوندان هم پیمانان است، [در دوران جاهلیت] شخص با دیگری پیمان بسته می‌گفت: خون من خون تو،

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۹۲

انتقام گرفتن من، انتقام گرفتن تو است، جنگ من جنگ تو و صلح من صلح تو است، تو از من ارث می‌بری و من از تو، تو از جانب من دیه بپرداز و من از جانب تو، با این پیمان یک ششم مال شخص به هم پیمانش تعلق می‌گرفت، ولی این حکم به وسیله این آیه **وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ** «خویشاوندان بعضی بر بعضی سزاوارترند» (انفال / ۵۷) نسخ شد.

«عقدت» را، «عاقبت» با الف و «عقدت» با تشدید نیز قرائت کرده‌اند، [طبق قرائت کسانی که فعل را با الف خوانده‌اند کلام حمل بر معنا می‌شود] و معنای عاقبت ایمانکم این است: کسانی که با دست دادن با آنها پیمان بسته‌اید، اولی بنا بر قرائت کسانی که فعل را با تشدید خوانده‌اند کلام حمل بر لفظ می‌شود] و معنای عقدت ایمانکم این است: کسانی که با سوگند، با آنها پیمان بسته‌اید.

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ مردان با امر و نهی خود زنان را سرپرستی می‌کنند چنان که حاکمان از رعایا و زیر دستانشان سرپرستی می‌کنند، و مردان به خاطر همین فضیلتی که بر زنان دارند، «قوام» (مسلط) نامیده شده‌اند. و علت فضیلت داشتن مردان بر زنان چند چیز است: عقل، دور اندیشی، جهاد، ایراد خطبه‌های نماز جمعه، اذان گفتن، داشتن همسران متعدد و اختیار طلاق و جز اینها.

وَ بِمَا أَنْفَقُوا و به سبب مهر و نفقه‌ای که مردان در وقت ازدواج با زنان به آنان می‌پردازند.
فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ زنان شایسته مطیع امر خداوند و به پا دارنده حقوقی هستند که شوهرانشان بر آنها دارند.
حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ «غیب» خلاف «شهادت» است، یعنی آن زنان در غیاب شوهران خود حقوق و حرمت ناموس، خانه و اموال آنها را حفظ می‌کنند.

بِمَا حَفِظَ اللَّهُ به سبب این که خداوند آنان را حفظ کرد، آن گاه که در کتاب خود سفارش آنان را به مردان

کرد. برخی گفته‌اند: به واسطه حفظ خداست که آنان موقّق می‌شوند در غیاب شوهر حافظ مال، خانه و ناموس او باشند. بنا بر این «ما»

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۹۳

مصدریه است. قرائت «بما حفظ الله» به نصب بنا بر این است که «ما» موصوله باشد، یعنی بالأمر الذی یحفظ حق الله و أمانة الله (به سبب امری که حق خدا و امانت او را با آن حفظ می‌کند). و آن امر رأفت و عطف نسبت به مردان و حفظ عفت و پاکدامنی خویش است.

در حدیث است که بهترین زنان زنی است که وقتی به او نگاه کنی تو را شادمان کند، و چون به او امر کردی از تو اطاعت کند و هر گاه از نزد او غایب شدی در مال و جان خود حرمت تو را حفظ کند. آن گاه امام (ع) آیه فوق را تلاوت کرد.

وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ وَ زَنَانِيَّ كِهْ از عصیان آنها می‌ترسید «نشوز» در اصل به معنای برآشفتن و مسلط شدن بر همسر است. [در این جا منظور سرپیچی از اطاعت اوست].

فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ: نخست آنها را با گفتار خود نصیحت کنید، و در مرحله دوّم اگر نصیحت مؤثر واقع نشد [آنها را در بستر تنها بگذارید. کنایه از این که با آنها آمیزش نکنید، برخی گفته‌اند منظور از «و هجروهن» این است که در موقع خواب به آنها پشت کنید.

وَ اضْرِبُوهُنَّ وَ اگر موعظه و نصیحت و هم‌خوابی نکردن با آنها مؤثر واقع نشد، آنها را بزنید به گونه‌ای که بدنشان زخم نشود و استخوانشان نشکند. از امام باقر (ع) نقل شده که منظور زدن با (چوب) مسواک است. فَإِنْ أَطَعْتَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً اگر از نافرمانی شما دست کشیدند، متعرض آنان نشوید و از آزارشان و دوری جستن از آنان خودداری کنید و پس از ترک سرپیچی و اطاعت کردن از شما، توبه آنان را بپذیرید. إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً كَبِيراً خداوند بلند مرتبه و بزرگ است، پس از [انتقام] او بر حذر باشید و زنان را بیش از اندازه توانشان تکلیف نکنید.

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۹۴

[سوره النساء (۴): آیه ۳۵] ... ص: ۵۹۴

اشاره

وَ إِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيماً حَبِيراً (۳۵)

ترجمه ... ص: ۵۹۴

و اگر از جدایی و شکاف میان آنها بیم داشته باشید، داوری از خانواده شوهر، و داوری از خانواده زن انتخاب کنید (تا به کار آنان رسیدگی کنند) اگر این دو داور تصمیم به اصلاح داشته باشند خداوند کمک به توافق آنها می‌کند، زیرا خداوند دانا و آگاه است، (و از نیّات همه با خبر می‌باشد) (۳۵)

وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا يَعْنِي وَ أَحْسِنُوا بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا.
[«إحسانا» منصوب به فعل محذوف است.]

وَبِذِي الْقُرْبَىٰ: و نیکی کنید به تمام کسانی که بین شما و آنان خویشاوندی وجود دارد.

وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ و به همسایگان نزدیک و همسایگان

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۹۶

دور، گفته شده: مقصود همسایگانی است که با انسان خویشاوندی نزدیک دارند و همسایگانی که خویشاوندی ندارند و بیگانه‌اند.

وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ و کسی که همراه و مصاحب با انسان است، اعم از این که در سفر با او رفیق باشد، یا همسایه دیوار به دیوار و یا شریک او باشد و یا کسی که در مجلسی کنار وی نشسته است، در هر صورت بر انسان لازم است که حق او را رعایت کند.

وَأَبْنِ السَّبِيلِ و به مسافری که از سفر بازمانده است. و گفته‌اند: منظور میهمان است.

«مختال» خود خواه نادانی است که از اکرام خویشاوندان و همراهان خود، سرباز می‌زند.

«فخور»: کسی که به زیادی مال و ثروت خود فخر می‌فروشد.

الَّذِينَ يَبْخُلُونَ یا بدل از من کان مختالاً فخوراً و [محلاً] منصوب یا مرفوع است، به اعتبار این که فعلی دال

بر مذمت ایشان در تقدیر باشد، و یا مبتدا و خبر آن محذوف است و گویی گفته شده: الذین یبخلون و

یفعلون کذا ملومون مستحقون للعقوبة یعنی نسبت به آنچه خود دارند و آنچه در دست دیگران است بخل

می‌ورزند و به آنها امر می‌کنند که بخل بورزند، چنان که در مثل آمده است: أبخل من الضنین بنائل غیره

بخیلتر از بخیل است در این که کسی غیر از او بخششی به دیگران عطا کند.

وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ با اظهار فقر نزد مردم، ثروتی را که خدا از فضل خود به آنان داده مخفی

می‌کنند. و گفته‌اند: آنان یهود بودند که صفات رسول خدا (ص) را کتمان کردند.

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۹۷

[سوره النساء (۴): آیات ۳۸ تا ۳۹] ... ص: ۵۹۷

اشاره

وَالَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا

(۳۸) وَ مَا ذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَ كَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا (۳۹)

ترجمه ... ص: ۵۹۷

و آنها کسانی هستند که اموال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کنند و ایمان به خداوند و روز

بازپسین ندارند (چرا که شیطان رفیق و همنشین آنها است) و کسی که شیطان قرین اوست بد قرینی

انتخاب کرده است.

(۳۸)

چه می‌شد اگر آنها به خدا و روز باز پسین ایمان می‌آوردند و از آنچه خدا به آنها روزی کرده (برای او و در راه او) انفاق می‌نمودند؟ و خداوند بر (کار) آنها آگاه است. (۳۹)

تفسیر: ... ص: ۵۹۷

وَ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ كَسَانِي كَمَا مَالَهُمْ رِئَاءَ اللَّهِ لَا يَرْجُونَ جَزَاءً مِنْ اللَّهِ وَ لَئِنْ كَانُوا لَا يُفْقَهُونَ إِلَّا ضَلَالًا مُبِينًا
آنها افرادی سخاوتمند هستند، انفاق می‌کنند، نه برای خدا.

گفته‌اند: آنها مشرکان قریش بودند که اموالشان را در راه دشمنی با رسول خدا (ص) صرف می‌کردند. فِئَاءٌ قَرِينًا شَيْطَانِ بَدِ دُوسْتِي اسْت، زیرا انسانها را به بخل و ریا و فساد وا می‌دارد. و می‌توان گفت این جمله تهدیدی است برای دوستان شیطان که در آتش جهنم با او همنشین خواهند بود. وَ مَا ذَا عَلِيهِمْ يَعْنِي چَه سَخْتِي وَ گِرْفَتَارِيِي مَتُوجِه اَنَان مِي شَد، اگر به خدا ایمان می‌آوردند و از مال خود در راه او انفاق می‌کردند. این جمله در مقام نکوهش و سرزنش آنان است و گرنه نفع کامل در ایمان به خدا و انفاق در راه اوست.

وَ كَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا این جمله نیز تهدیدی برای آنهاست.

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۹۸

[سوره النساء (۴): آیه ۴۰] ... ص: ۵۹۸

اشاره

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَ إِنْ تَكُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَ يُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا (۴۰)

ترجمه ... ص: ۵۹۸

خداوند (حتی) به اندازه سنگینی ذره‌ای ستم نمی‌کند و اگر کار نیکی باشد آن را مضاعف می‌نماید، و از نزد خود پاداش عظیمی (در برابر آن) می‌دهد. (۴۰)

تفسیر: ... ص: ۵۹۸

«ذره»، یعنی مورچه کوچک. و گفته‌اند: هر یک از اجزای ریز غبار که در هوا معلق می‌باشد «ذره» است. این آیه دلالت می‌کند بر این که منع ثواب و کم کردن آن و یا کیفر بیش از حد مجرم، ظلم است. او خداوند از ستم کردن مبراست.

وَ إِنْ تَكُ حَسَنَةً يَعْنِي وَ اگر کار نیکی به اندازه ذره‌ای باشد. کلمه «مثقال» به دلیل اضافه شدن به «ذره» کسب تأیید کرده و مؤنث شده است. «حسنه» به رفع نیز قرائت شده است بنا بر این که «کان» تامه باشد. يُضَاعِفْهَا یعنی خداوند پاداش آن را چند برابر می‌کند. وَ يُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا از جانب خود به صاحب کار نیک از راه تفضّل پاداش بزرگی عطا می‌کند. و علت

این که خداوند عطای خویش را «اجر» نامیده این است که عطا و بخشش در پی برخوردار شدن از پاداش است.

«یضعفها» با تشدید نیز قرائت شده است.

سوره النساء (۴): آیات ۴۱ تا ۴۲ ... ص: ۵۹۸

اشاره

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيداً (۴۱) يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصُوا الرَّسُولَ
لَوْ تَسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثاً (۴۲)
ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۵۹۹

ترجمه ... ص: ۵۹۹

حال آنها چگونه است، آن روز که برای هر امتی گواهی بر اعمالشان می‌طلبیم و تو را گواه اینها قرار خواهیم داد (۴۱)

در آن روز آنها که کافر شدند و با پیامبر (ص) به مخالفت برخاستند آرزو می‌کنند که ای کاش (خاک بودند و) خاک آنها نیز با زمینهای اطراف یکسان می‌شد (و بطور کلی محو و فراموش می‌شدند) و در آن روز نمی‌توانند سخنی را از خدا پنهان کنند. (۴۲)

تفسیر: ... ص: ۵۹۹

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ چه خواهند کرد کافران هنگامی که پیامبر هر امتی را گواه بیاوریم تا به آنچه امتهایشان انجام داده‌اند گواهی دهند.
وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيداً و تو را ای محمد بر قومت گواه آوریم. و مقصود آیه این است که خدای سبحان روز قیامت هر پیامبری را بر امت خویش گواه می‌آورد و آن پیامبر به نفع و یا به ضرر امت خویش گواهی می‌دهد.

از ابن مسعود روایت شده که او این آیه را بر پیامبر گرامی (ص) قرائت کرد و چشمان حضرت پر از اشک شد، در صورتی که شاهد اعمال [پیامبر (ص)] از بیم این گفتار می‌گرید بنگر که در این حالت مشهود علیه برای خودداری از ارتکاب عملی که موجب شرمساری نزد مردم می‌شود چه باید بکند!
يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصُوا الرَّسُولَ لَوْ تَسَوَّىٰ «تسوی» از باب تفعیل است و «لو تسوی» با حذف «تا» از «تسوی» و «تسوی» با ادغام «تا» در «سین» نیز قرائت شده است. گفته می‌شود: سویته فتسوی، معنای آیه این است که کافران در آن روز دوست می‌دارند برانگیخته نشوند و با خاک همسان باشند. و گفته‌اند: منظور این است که دوست دارند ای کاش در خاک دفن شوند و زمین بر آنان همچون مردگان هموار گردد. و لَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثاً مقصود این است که نمی‌توانند چیزی را از خداوند کتمان کنند، زیرا اعضای بدن

آنها به کردارشان گواهی می‌دهند.

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۶۰۰

[سوره النساء (۴): آیه ۴۳] ... ص: ۶۰۰

اشاره

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا (۴۳)

ترجمه ... ص: ۶۰۰

ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حالی که مست هستید به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گویید و همچنین هنگامی که جنب هستید، مگر این که مسافر باشید تا غسل کنید و اگر بیمارید یا مسافر و یا «قضای حاجت» کرده‌اید و یا با زنان آمیزش جنسی داشته‌اید و در این حال آب (برای وضو و غسل) نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید، به این طریق که صورتها و دستها را با آن مسح کنید. خداوند بخشنده و آمرزنده است. (۴۳)

نفس ده

تفسیر: ... ص: ۶۰۰

در این که مقصود از آیه چیست چند قول است:

۱- ای مردم با ایمان در حال مستی نماز نخوانید.

۲- منظور این است که نزدیک جایگاههای نماز یعنی مساجد نشوید، چنان که از معصوم (ع) نقل شده که فرمود: «دیوانگان و کودکان خود را از مساجد دور کنید».

۳- مقصود از «وَأَنْتُمْ سُكَارَى» مستی خواب و غلبه چرت است و این قول از امام باقر (ع) نیز روایت شده است.

«وَلَا جُنْبًا» عطف بر «وَأَنْتُمْ سُكَارَى» است، زیرا این جمله حالیه و در محل نصب است، و گویی گفته شده: لا تقربوا الصلاة سكارى و لا جنبا و در «جنبا» مفرد و جمع و مذکر و مؤنث یکسان است، زیرا اسمی است که به جای مصدر

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۶۰۱

یعنی «إجناب» آمده است.

إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ یعنی در حالت جنابت، به نماز نزدیک نشوید، مگر این که مسافر باشید. در این صورت می‌توانید نماز را با تیمم بخوانید، زیرا تیمم اگر چه نماز را مباح می‌کند ولی حدث جنابت را بر طرف نمی‌سازد. بنا بر این نصب جمله عابری سبیل بنا بر حالیت است. «عبور السبیل» یعنی سفر کردن، گویی

گفته شده:

بدون غسل به نماز نزدیک نشوید مگر این که مسافر باشید و کسانی که «صلوة» را به مسجد تفسیر کرده‌اند گفته‌اند معنای آیه این است که در حال جنابت نزدیک جایگاه نماز نشوید مگر این که بخواهید از آن جا عبور کنید، ولی پس از غسل کردن مانعی ندارد.

وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فِي هَذِهِ آيَةِ خُدَاي سَبْحَانَ خَوَاسْتَه اَسْت بَه كَسَانِي كَه بَر اَنَهَا غَسْل وَاجِب شُدَه ولى دسترسى به آب ندارند، اجازه تیمم کردن بدهد و از میان آنان ابتدا خصوص بیماران و مسافران را ذکر کرده است، زیرا بیماری و مسافرت بیشتر اتفاق می‌افتد و بر سایر اسبابی که موجب جواز تیمم می‌شوند غلبه دارند. سپس عموم کسانی را که غسل کردن بر آنها واجب شده ولی - به خاطر ترس از دشمن یا درندگان یا نبودن وسیله‌ای برای تهیه آب یا اسباب دیگری که کمتر از سفر و مرض اتفاق می‌افتد، - دسترسى به آب ندارند ذکر می‌کند، و به دلیل این که بیماری و سفر بیش از سایر اسباب جواز تیمم واقع می‌شوند، قرآن این دو را در ردیف محدث و جنب ذکر کرده است، هر چند این اسباب با هم تفاوت دارند به این معنی که بیماری و سفر دو سبب از اسباب اجازه تیمم به جای وضو و غسل است ولی حدث (بول و غائط) و جنابت به ترتیب سبب وجوب وضو و غسل می‌شوند.

أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ بِنَا بَه قِرَائَت كَسَانِي كَه أَوْ لَمَسْتُمْ خَوَانْدَه‌اَنْد لَمَس وَ مَلَامَسَه بَه مَعْنِي جَمَاع اَسْت. اِبْن عَبَّاس گوید: همان طور که باران، آسمان نامیده می‌شود، خداوند جماع را لمس نامیده است.

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۶۰۲

«غائط» در اصل به معنی محل مطمئنی از زمین است که افراد برای قضای حاجت به آن جا می‌رفتند و به تدریج بر اثر کثرت استعمال آن را کنایه از مدفوع آورده‌اند.

«تیمم» در اصل به معنای قصد است، ولی در اصطلاح شرع نام قصدی مخصوص است و آن این که کسی خاکی را قصد کند تا با آن اعضای مخصوصی را مسح نماید. زجاج گوید: «صعید» به معنای سطح زمین است اعم از این که خاک باشد یا سنگی که خاک بر روی آن نیست و اگر تیمم کننده دست خود را بر سطح زمین بزند و صورت و دستها را مسح کند طهارت برایش حاصل می‌شود و این مذهب ابو حنیفه است. و همین معنا از ائمه هدی (ع) نیز روایت شده است.

فَامَسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَ أَيْدِيكُمْ [این جمله چگونگی انجام تیمم را بیان می‌کند]، و آن عبارت است از یک بار به خاک زدن دست برای مسح صورت و دستها، در تیمم بدل از وضو، و دو بار در تیمم بدل از غسل، یک بار برای مسح صورت و بار دیگر برای مسح دستها، مسح صورت از محل روییدن مو تا انتهای بینی و مسح دستها از مچ تا سر انگشتان است.

[سوره النساء (۴): آیات ۴۴ تا ۴۶] ... ص: ۶۰۲

اشاره

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يَشْتُرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ (۴۴) وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَ كَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا (۴۵) مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ يَقُولُونَ سَمِعْنَا

وَ عَصَيْنَا وَ أَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَ رَاعِنَا لِيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَ طَعْنَا فِي الدِّينِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا وَ أَسْمَعُ وَ
أَنْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَ أَقْوَمَ وَ لَكِن لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (٤٦)

ترجمه جوامع الجامع، ج ١، ص: ٦٠٣

ترجمه ... ص: ٦٠٣

آیا ندیدی کسانی را که بهره‌ای از کتاب (خدا) به آنها داده شده بود (به جای این که از آن برای هدایت خود و دیگران استفاده کنند، برای خویش) گمراهی می‌خرند و می‌خواهند شما نیز گمراه شوید (٤٤) خدا از دشمنان شما آگاه است (ولی آنها به شما زبانی نمی‌رسانند) کافی است که خدا ولی شما باشد و کافی است که خدا یاور شما باشد (٤٥)

بعضی از یهود، سخنان را از محل خود تحریف می‌کنند و (به جای این که بگویند شنیدیم و اطاعت کردیم) می‌گویند شنیدیم و مخالفت کردیم و (نیز می‌گویند) بشنو که هرگز نشنوی و (از روی سخریه می‌گویند راعنا یعنی) ما را رعایت کن، تا با زبان خود حقایق را بگردانند و در آیین خدا طعنه زنند ولی اگر آنها (به جای این همه لجاجت می‌گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم و سخنان ما را بشنو و به ما مهلت ده (تا حقایق را درک کنیم) به نفع آنها بود و با واقعیت سازگارتر، ولی خداوند آنها را به خاطر کفرشان از رحمت خود دور ساخته و لذا جز عده کمی ایمان نمی‌آورند. (٤٦)

تفسیر: ... ص: ٦٠٣

مقصود از «أَلَمْ تَرَ» رؤیت قلبی است و چون به معنای أَلَمْ تَنْظُرْ إِلَيْهِمْ یا أَلَمْ يَنْتَه عِلْمَكَ إِلَيْهِمْ است، با «إِلَى» متعدی شده است.

أَوْتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ کسانی که بهره‌ای از علم تورات به آنها داده شده است یعنی دانشمندان یهود. يَشْتَرُونَ الضَّلَالَهَ گمراهی را به هدایت می‌خرند، یعنی بر آیین یهود باقی می‌مانند پس از آن که معجزات به روشنی دلالت بر صدق محمد (ص) می‌کرد و نشانه‌هایی وجود داشت که بوضوح حاکی بود از صحت نبوتش و این که او پیامبر عربی است و در تورات و انجیل بشارت آمدنش داده شده است.

وَ يَرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا يَهُودِيانِ می‌خواهند شما مؤمنان را از راه حق گمراه سازند، چنان که خود گمراه شدند گویی آنان هر گاه گمراه شوند دوست دارند

ترجمه جوامع الجامع، ج ١، ص: ٦٠٤

دیگران را نیز با خود به گمراهی بکشانند.

وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ خداوند از شما به دشمنانتان آگاه‌تر است و شما را از دشمنی آنان با شما با خبر ساخت بنا بر این از آنان بر حذر باشید و در کارهایتان از دشمنان خود راهنمایی نخواهید. وَ كَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا دوستی خدا شما را کافی است، پس به دوستی و یاری او اعتماد نمایید و به دشمنان خود توجه نکنید.

مِنَ الَّذِينَ هَادُوا در مورد این جمله سه احتمال وجود دارد:

۱- بیان و توضیح است برای «الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيْبًا مِنَ الْكِتَابِ» زیرا مقصود از این جمله یهود و نصاری هستند. و بین این دو جمله، جملات معترضه وَ اللَّهُ أَعْلَمُ ... وَ، وَ كَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَ كَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا واقع شده است.

۲- می توان گفت بیان برای «أعداءکم» یا صله برای «نصیرا» است، یعنی ی نصرکم من الذین هادوا مانند آیه: وَ نَصَرْنَا مِنْ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا، یعنی «و او را بر دفع آن قومی که آیات ما را تکذیب کردند نصرت دادیم» (انبیاء / ۷۷).

۳- و می توان گفت ابتدای کلام و تقدیرش من الذین هادوا قوم است.

يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ یعنی یهودیان قومی هستند که احکام خدا را جابجا می کنند، زیرا آنها، هر گاه حکم خدا را تغییر داده و حکم دیگری به جای آن قرار دهند، در حقیقت آن را از جایی که خداوند قرارش داده برداشته از میان برده اند، چنان که کلمه «أسمر ربعة» را در تورات از جای خود برداشته و «آدم طوال» را به جای آن قرار دادند.

وَ اسْمَعُ غَيْرَ مُسْمَعٍ معنای این سخن یهود این است که ای محمد (ص) بشنو از ما در حالی که ناشنوا هستی یا معنایش این است بشنو در حالی که پاسخ دعوت تو را نمی دهیم. بنا بر این «غیر مسمع» حال از مخاطب است.

وَ رَاعِنَا معنای آن در سوره بقره گذشت، یعنی ما را مراعات کن.

لِيَّا بِاللَّسِنَتِهِمْ زبَانَهُمْ خود را پیچ می دادند و معنی الفاظ را منحرف می ساختند

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۶۰۵

یعنی با زبانشان حق را به سوی باطل می گردانند. تا آنجا که «راعنا» را به جای «أنظرنا» و غیر مسمع را به جای لا أسمعتم مکروها می گذارند. و یا معنایش این است که به زبانهایشان بد زبانی و گستاخی باطنی خود را می پوشانند و از روی نفاق اظهار می کنند که به پیامبر احترام می گذارند.

وَ لَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا وَ اسْمَعُ وَ أَنْظَرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَ اگر می گفتند ما سخن تو را شنیدیم و امر تو را اطاعت کردیم و از ما بشنو و ما را مهلت بده تا سخن تو را بفهمیم، برای ایشان بهتر بود.

ضمیر در «لکان» بر می گردد به «إنهم قالوا» زیرا آیه معنایش این است که اگر سخن آنان که گفتند: سمعنا و أطعنا ثابت می شد، این سخن بر ایشان بهتر و اقوم» یعنی عادلانه تر و محکمتر بود.

وَ لَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ وَلِي خدایند ایشان را به واسطه کفرشان از رحمت خود دور ساخته است.

فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا و ایمان نمی آورند مگر ایمانی ضعیف و بدون اخلاص یا منظور این است که تنها کمی از آنان ایمان آورده اند.

[سوره النساء (۴): آیه ۴۷] ... ص: ۶۰۵

اشاره

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (۴۷)

ترجمه ... ص: ۶۰۵

ای کسانی که کتاب (خدا) به شما داده شده به آنچه (بر پیامبر خود) نازل کردیم و هماهنگ با نشانه‌هایی است که با شماست ایمان بیاورید، پیش از آن که صورتهایی را محو کنیم و سپس به پشت سر بازگردانیم، یا آنها را از رحمت خود دور سازیم همان طور که اصحاب «سبت» را از رحمت خود دور ساختیم و فرمان خدا در هر حال انجام شدنی است. (۴۷)
ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۶۰۶

تفسیر: ... ص: ۶۰۶

آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا یعنی ای اهل کتاب تصدیق کنید قرآن و احکامی را که بر محمد (ص) نازل کردیم. مصدقا لما معکم قرآنی که تصدیق کننده تورات شماست.
مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وَجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا دَرَبًا مَعْنَىٰ اِیْنَ جَمْلَهٗ چَند قَوْلِ اسْتِ:
۱- پیش از آن که آثار صورت شما یعنی چشم و ابرو و بینی را محو گردانیم و صورتهای شما را به هیأت پشت سرتان درآوریم، یعنی آثارشان را محو کنیم.
۲- پیش از آن که صورتهای آنان را به پشت واژگون کنیم و پشت سرشان را پیش روی آنان قرار دهیم.
۳- مقصود از «طمس» دگرگون ساختن و از «وجه» بزرگان و صاحب منصبان آنهاست، یعنی پیش از آن که حال بزرگانشان را دگرگون سازیم و بخت و اقبال و منزلت را از آنان سلب و خوار و ذلیلشان کنیم.
أَوْ نَلْعَنَهُمْ ضَمِيرٌ «هم» به صاحبان صورتهای یا بزرگان از اهل کتاب بر می‌گردد، یعنی آنها را با مسخ کردن خوار می‌سازیم، چنان که «اصحاب سبت» را مسخ کردیم.
این تهدید یهود در صورتی عملی می‌شد که هیچ یک از آنان ایمان نمی‌آوردند، ولی از آنجا که دسته‌ای از آنان مثل عبد الله بن سلام، ثعلبة بن سعة، مخیریق و غیر اینها ایمان آوردند، عذاب از دیگران نیز برداشته شد.

گفته‌اند: این تهدید هنوز هم به قوت خود باقی است و محو آثار صورت تا پیش از قیامت در انتظار یهود است و خداوند آنها را مسخ خواهد کرد.

وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا یعنی اگر ایمان نیاوردند امر خداوند ناگزیر تحقق خواهد یافت.

[سوره النساء (۴): آیه ۴۸] ... ص: ۶۰۶

اشاره

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا (۴۸)
ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۶۰۷

ترجمه ... ص: ۶۰۷

خداوند (هرگز) شرک را نمی‌بخشد و پایین‌تر از آن را برای هر کس بخواد (و شایستگی داشته باشد) می‌بخشد و آن کس که برای خدا شریکی قایل گردد، گناه بزرگی مرتکب شده است. (۴۸)

تفسیر: ... ص: ۶۰۷

این آیه از امید بخش‌ترین آیات قرآن است، زیرا تمام گناهان را به جز شرک مشمول عموم جمله «ما دُونَ ذَلِكْ» و داخل در مشیت آمرزش خداوند ساخته است. آیا نمی‌بینی که خدای سبحان ابتدا تصریح کرده که گناه شرک غیر قابل آمرزش است و سپس گناهان دیگر را غیر از شرک قابل عفو دانسته است؟ در صورتی که آمرزش گناه شرک به وسیله توبه امری اجماعی است بنا بر این برای این که تضادی بین نفی آمرزش و اثبات آن نباشد باید گفته شود منظور از عدم آمرزش گناه شرک کسی است که از آن توبه نکرده باشد.

سپس خداوند مشیت خود را منوط به کسانی دانسته که بخواهد آنها را عفو کند و فرموده است: لِمَنْ يَشَاءُ یعنی گناهان را جز شرک نسبت به هر یک از گناهکاران که بخواهد می‌آمرزد تا این که بندگان او همواره میان بیم و امید باشند و بر انجام گناه جرأت پیدا نکنند، زیرا جرأت بر گناه هنگامی حاصل می‌شود که یقین به آمرزش باشد نه موقعی که امید آمرزش منوط به مشیت خداوند باشد. جار الله زمخشری [در تفسیر کشاف] گوید: آنچه در آیه نفی و اثبات گردیده متوجه جمله «لمن يشاء» است و مقصود از جمله اول [لا يغفر الشرك لمن يشاء] عدم آمرزش گناه کسی است که از شرک توبه نکرده باشد و منظور از جمله دوم [يغفر ما دون الشرك لمن يشاء] آمرزش گناه کسی است که توبه کرده باشد، و این سخن وی در نهایت بطلان است، زیرا در این صورت معنای آیه این است که خدای سبحان کسی را که از گناه شرک توبه نکند نمی‌بخشد و کسی را که از آن توبه کند می‌بخشد و گناهان دیگر را نیز از کسی که توبه کند می‌آمرزد و از کسی که توبه

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۶۰۸

نکرده نمی‌آمرزد و چنان که می‌بینی آنچه نفی و اثبات شده در حکم و معنا یکی است و سخن خدایی که فصاحتش عقلها را به شگفتی واداشته از مثل چنین نقیصه‌ای که در کلام هیچ عاقلی پسندیده نیست به دور است، علاوه بر این که هر گاه توبه تحقق پیدا کند، در پیشگاه خداوند موجب ساقط شدن کیفر گناهکار می‌شود، پس چطور ممکن است مشیتش به ساقط کردن عقاب تعلق بگیرد؟ و آیا هیچ عاقلی به خود اجازه می‌دهد بگوید: من اگر خواستم دینم را ادا خواهم کرد، یا به هر کس بخواهم اداء می‌کنم. خدای ما از چنین حرفهایی مبرا است. خدایا تو را سپاس می‌گوییم که ما را تأیید و به راه راست هدایت فرمودی. وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا و کسی که به خدا شرک آورد گناه بزرگی مرتکب شده است و به دروغ غیر خدا را سزاوار عبادت پنداشته است.

[سوره النساء (۴): آیات ۴۹ تا ۵۰] ... ص: ۶۰۸

اشاره

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْكُونَ أَنْفُسَهُمْ بِاللَّهِ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا (۴۹) أَنْظِرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ كَفَى بِهِ إِثْمًا مُبِينًا (۵۰)

ترجمه ... ص: ۶۰۸

آیا ندیدی آنهایی را که خودستایی می‌کنند (این خودستاییها بی‌ارزش است) ولی خدا هر کس را بخواهد ستایش می‌کند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد (۴۹) بین چگونه به خدا دروغ می‌بندند و همین گناه آشکار (برای مجازات آنان) کافی است. (۵۰)

تفسیر: ... ص: ۶۰۸

الَّذِينَ يَزْكُونَ أَنْفُسَهُمْ: این آیات درباره یهود و نصارا نازل شده است، زیرا آنها می‌گفتند: نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَ أَحِبَّاءُوهُ «ما پسران و دوستان خداییم (مائده/ ۱۸) و می‌گفتند: لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارًا «هرگز به بهشت نمی‌رود جز کسی که یهودی یا مسیحی باشد» (بقره/ ۱۱۱) و هر کس به خاطر زیادی طاعت و

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۶۰۹

مقرب بودن در پیشگاه خداوند خود را بستاید، مشمول، این آیه واقع می‌شود. بِاللَّهِ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ این جمله اشاره به این است که تنها ستودن و به پاکی توصیف کردن خداوند قابل توجه است نه این که کسی خود را بستاید، زیرا خدای سبحان نسبت به کسانی که شایستگی تزکیه و ستایش را دارند آگاه است.

وَ لَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ضمیر در «یظلمون» یا به الَّذِينَ يَزْكُونَ أَنْفُسَهُمْ بر می‌گردد، یعنی در عذاب کردن آنها بر ستودن خویش به اندازه پیشیزی به آنان ستم نمی‌شود و یا به «من یشاء» بر می‌گردد و معنایش این است که آنها پاداش داده می‌شوند و از ثواب آنان هیچ کاسته نمی‌شود. «فتیل» چیزی است که در شکاف هسته خرما قرار دارد.

أَنْظِرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ بین چگونه به خداوند نسبت دروغ می‌دهند، و خود را نزد خداوند از پاکان و برگزیدگان می‌پندارند. وَ كَفَى بِهِ إِثْمًا مُبِينًا این پندار آنها به عنوان گناهی آشکار در بین دیگر گناهانشان (برای مجازات آنان) کافی است.

[سوره النساء (۴): آیات ۵۱ تا ۵۲] ... ص: ۶۰۹

اشاره

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَ يَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا (۵۱) أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا (۵۲)

ترجمه ... ص: ۶۰۹

آیا ندیدی کسانی را که بهره‌ای از کتاب (خدا) دارند (با این حال) به جبت و طاغوت (بت و بت‌پرستان) ایمان می‌آوردند و به مشرکان می‌گویند آنها از کسانی که ایمان آورده‌اند هدایت یافته‌ترند؟! (۵۱)
آنها کسانی هستند که خداوند ایشان را از رحمت خود دور ساخته و هر کس را خدا از رحمتش دور کند، یاوری برای او نخواهی یافت. (۵۲)
ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۶۱۰

تفسیر: ... ص: ۶۱۰

«جبت» هر معبودی غیر از خداست و «طاغوت» به معنای شیطان است و روایت شده که حی بن أخطب و کعب بن أشرف، با گروهی از یهود به جانب مکه رفتند تا با قریش برای جنگ با پیامبر اسلام (ص) هم پیمان شوند، قریشیان به آنان گفتند: شما به محمد (ص) نزدیکتر هستید تا ما، و ما از مکر شما ایمن نیستیم [اگر می‌خواهید با شما هم پیمان شویم] خدایان ما را سجده کنید تا به شما اطمینان پیدا کنیم، پس یهود سجده کردند و این است منظور از ایمان آوردن آنها به «جبت» و «طاغوت» زیرا یهود به پیروی از شیطان بتها را سجده کردند.

ابو سفیان گفت: آیا ما هدایت یافته‌تر و به حق نزدیک‌تریم یا محمد؟ کعب پرسید، محمد (ص) چه می‌گوید؟ گفتند: امر به پرستش خدای یکتا و نهی از شرک می‌کند، کعب گفت: آیین شما چیست؟ گفتند: ما متولیان کعبه‌ایم و به حاجیان آب می‌دهیم و از میهمانان پذیرایی کرده و اسیران را آزاد می‌کنیم اعمالشان را که بر شمرند کعب گفت: شما هدایت یافته‌تر از محمد (ص) هستید.
أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُمْ رَأَوْا كَذِبًا وَأَعْتَدُوا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا
و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً و کسی که مورد لعن خدا قرار گیرد در دنیا و آخرت برای او یاوری نمی‌یابی.

[سوره النساء (۴): آیات ۵۳ تا ۵۵] ... ص: ۶۱۰

اشاره

أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا (۵۳) أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا (۵۴) فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ كَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا (۵۵)

ترجمه ... ص: ۶۱۰

آیا آنها (یهود) سهمی در حکومت دارند (که بخواهند چنین قضاوتی کنند؟ در حالی که اگر چنین بود به مردم هیچ حقی نمی‌دادند (و همه چیز را در انحصار خود می‌گرفتند) (۵۳)

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۶۱۱

یا این که به مردم (پیامبر و خاندانش) در برابر آنچه خدا از فضلش به آنها بخشیده، حسد می‌ورزند (چرا حسد می‌ورزند) با این که آل ابراهیم را (که یهود از خاندان او هستند) کتاب و حکمت دادیم و حکومت عظیمی در اختیار آنها قرار دادیم (۵۴)
ولی جمعی از آنها به آن ایمان آوردند و جمعی ایجاد مانع در راه آن نمودند و شعله فروزان آتش دوزخ برای آنها کافی است. (۵۵)

تفسیر: ... ص: ۶۱۱

خدای سبحان در این آیات یهود را به بخل و حسد توصیف کرده و این دو از بدترین خصلتهاست، زیرا بخل [انسان را از دادن حق واجب] نعمتی که به او داده شده باز می‌دارد و شخص حسود آرزو می‌کند که نعمت از غیرش زایل شود و به او برسد.

«ام» منقطعه و همزه برای انکار [مضمون] «لهم نصیب من الملك» است یعنی چنان چه آنان بهره‌ای از حکومت داشتند به اندازه نقیری به مردم نمی‌دادند و «نقیر» همان گودی کوچکی است که در پشت هسته خرما به چشم می‌خورد.

مِنَ الْمُلْكِ به منظور سلطنت دنیا و یا حکومت خدایی است، چنان که در این آیه است: قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ «ای رسول ما- به این مردم بخیل و پست نظر- بگو که شما اگر دارای گنجهای رحمت خدا شوید، باز هم از ترس فقر و خوف درویشی از انفاق آن بخل خواهید کرد» (اسراء/ ۱۰۰).

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ آیا حسد می‌ورزند به مردم، یعنی به رسول خدا (ص) و مؤمنان. عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ بر نبوت و نصرت و عزت روز افزونی که خداوند از فضلش به پیامبر و مسلمانان داده است. فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ این جمله اخطار به یهود است، چون که می‌دانستند خداوند به آل ابراهیم یعنی نیاکان و پیشینیان محمد (ص) تورات و انجیل و دانش ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۶۱۲ عطا کرده اولی آن را انکار می‌کردند.

وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا منظور سلطنت یوسف و داود و سلیمان است. فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ در معنای این جمله سه احتمال وجود دارد:
۱- برخی از یهود به آنچه راجع به آل ابراهیم ذکر شد ایمان آوردند، و برخی با علم به صحتش آن را انکار کردند.

۲- بعضی از یهودیان به رسول خدا (ص) ایمان آوردند و بعضی نبوت او را انکار کردند.

۳- برخی از آل ابراهیم به ابراهیم ایمان آوردند و برخی کافر شدند، مانند این آیه فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ «پس آنها برخی به راه حق هدایت یافتند و بسیاری به فسق و بدکاری شتافتند» (حدید/ ۲۶)

[سوره النساء (۴): آیات ۵۶ تا ۵۷] ... ص: ۶۱۲

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَاراً كَلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بِدُلْنَاهُمْ جُلُوداً غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزاً حَكِيماً (٥٦) وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَداً لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ نُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا (٥٧)

ترجمه ... ص: ٦١٢

کسانی که به آیات ما کافر شدند به زودی آنها را در آتشی وارد می‌کنیم که هر گاه پوستهای تن آنها (در آن) بریان گردد (و بسوزد) پوستهای دیگری به جای آن قرار می‌دهیم تا کیفر را بچشند. خداوند توانا و حکیم است (و روی حساب کیفر می‌دهد) (٥٦) و آنها که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند به زودی آنها را در باغهایی از بهشت وارد می‌کنیم که نهرها از زیر درختان آن جاری است و همیشه در آن خواهند ماند و همسرانی پاکیزه برای آنها خواهد بود و آنها را در سایه‌هایی که قطع نمی‌شود داخل می‌کنیم. (٥٧)
ترجمه جوامع الجامع، ج ١، ص: ٦١٣

تفسیر: ... ص: ٦١٣

سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ یعنی آنها را در آتش افکنده و به وسیله آن می‌سوزانیم.
بَدَلْنَاهُمْ جُلُوداً پوستهایشان را تغییر می‌دهیم، لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ تا درد عذاب را حس کنند.
إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزاً خَدَا قَادِرٌ است و مانعی از تحقق بخشیدن به وعده‌ها و وعیدهایش نیست، «حَكِيماً» : حکیم است و جز کسی را که استحقاق دارد عذاب نمی‌کند.
لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ برای آنها در بهشت همسرانی است که از خون حیض و نفاس و تمام پستیها و آلودگیها پاکند. وَ نُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا آنها را داخل سایه‌ای می‌کنیم که همیشگی است و خورشید آن را زایل نمی‌کند.
«ظَلِيلًا» وصفی است که از لفظ «ظل» مشتق شده است، چنان که گفته می‌شود: یوم آیوم و لیل لیل و داهیة دهیاء.

[سوره النساء (٤): آیات ٥٨ تا ٥٩] ... ص: ٦١٣

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعاً بَصِيراً (٥٨) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا (٥٩)

خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانتها را به صاحبان آن برسانید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدل داوری کنید، خداوند پند و اندرزهای خوبی به شما می‌دهد، خداوند شنوا و بیناست (۵۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و صاحبان امر را ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۶۱۴

و هر گاه در چیزی نزاع کردید آن را به خدا و پیامبر ارجاع دهید، اگر ایمان به خدا و روز رستاخیز دارید، این برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است. (۵۹)

گفته‌اند: خطاب در آیه عام است و شامل هر کسی و هر امانتی می‌شود، خواه امانات الهی یعنی اوامر و نواهی او و خواه امانتهای مردم که یکدیگر را در آنها امین می‌گیرند.

و برخی گفته‌اند: آیه خطاب به زمامداران است که باید به فرمان خداوند امانتها را به صاحبانشان واگذار کرده و به عدالت حکومت کنند و در آیه بعد به مردم امر کرده است که سخن صاحبان امر را شنیده و از آنان اطاعت نمایند. سپس برای تأکید بر آن فرموده است: *إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ* یعنی اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید باید از فرمان آنها پیروی کنید.

از ائمه علیهم السلام روایت شده که گفته‌اند: خداوند هر یک از امامان را مأمور کرده است که امر حکومت به ولیّ امر پس از خود واگذار کند، و نیز گفته‌اند: آیه *أُولَ الْأَمْرِ* درباره ما و آیه بعدی درباره شماست.

«نعمًا» یعنی به خوب چیزی «يعظكم به» شما را موعظه می‌کند. پس «ما» نکره منصوبی است که به وسیله «يعظكم به» توصیف شده است. و شاید تقدیر آن *نعم الشيء الذي يعظكم به* باشد که در این صورت «ما» موصوله و در محل رفع و مخصوص به مدح حذف شده است یعنی ادای امانات و به عدالت حکم کردن که شما بدان مأمور شده‌اید خوب پند و اندرزی است. و مقصود از «*أُولَ الْأَمْرِ*» زمامداران بر حق و ائمه اهل بیت (ع) هستند که مردم را هدایت و به حق حکم می‌کنند و چون «*أُولَ الْأَمْرِ*» عطف بر «*اللَّهِ*» و «*الرسول*» و مقرون به آن دو شده، است خداوند پیروی از کسی را واجب کرده که معصوم و مصون از ارتکاب عمل زشت بوده و از کسانی که مأمور اطاعت از او هستند برتر و داناتر باشد، خدا ما را امر نمی‌کند از کسی اطاعت کنیم که از فرمان او سرپیچی می‌کند و تسلیم کسی شویم که همچون ما نیازمند هدایت است.

فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ اگر درباره چیزی از امور دین خود اختلاف کردید رده *إِلَى اللَّهِ* و *الرسول* در آن مورد در زمان حیات پیامبر به خود او و پس از وفاتش به کسانی که در حدیث معروف «*ثقلین*» توصیه کرده و فرموده است: «من دو چیز گرانبها در میان شما بجا می‌گذارم که اگر به آن دو دست یابید هرگز گمراه نخواهید شد یکی کتاب خدا و دیگری اهل بیت، این دو هرگز از هم جدا نشوند تا این که نزد حوض بر من وارد شوند» «۱»، رجوع کنید. پیامبر (ص) تصریح کرده است که نجات از گمراهی در پناه بردن به قرآن و عترت است. بنا بر این مخالفت با اهل بیت او- که ملازم با کتاب خدا (قرآن) هستند- پس از وفاتش همچون

مخالفت با آنها در زمان حیات پیامبر (ص) است، زیرا آنان پاسداران شریعت او و جانشینانش در میان امت اویند، بنا بر این به طور قطع منظور از «أولى الأمر» امامان معصوم (ع) از آل محمد (ص) هستند. «ذَلِكَ» اشاره است به ردّ اختلافات به خدا و رسول، خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا یعنی ردّ اختلافات به خدا و رسول سرانجامش برای شما پسندیده‌تر است.

[سوره النساء (۴): آیات ۶۰ تا ۶۱] ... ص: ۶۱۵

اشاره

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا (۶۰) وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا (۶۱)

-۱

إني تارك فيكم الثقلين ما إن تمسكتهم بهما لن تضلوا، كتاب الله و عترتي - أهل بيتي - و إنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض.

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۶۱۶



ترجمه ... ص: ۶۱۶

آیا ندیدی کسانی را که گمان می‌کنند به آنچه (از کتب آسمانی) بر تو و بر پیشینیان نازل شده ایمان آورده‌اند ولی می‌خواهند طاغوت و حکام باطل را به داوری بطلبند با این که به آنها دستور داده شده به طاغوت کافر شوند، و شیطان می‌خواهد آنها را شدیداً گمراه کند (۶۰) و هنگامی که به آنها گفته شود، به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر بیاید، منافقان را می‌بینی که از قبول دعوت تو اعراض می‌کنند. (۶۱)

تفسیر: ... ص: ۶۱۶

[شأن نزول] ... ص: ۶۱۶

میان یکی از منافقان و فردی از یهودیان اختلافی بود، یهودی گفت: من با داوری محمد (ص) موافقم زیرا می‌دانست پیامبر رشوه نمی‌گیرد، ولی مرد منافق گفت: میان من و تو باید کعب بن اشرف داوری کند [چون می‌دانست او با گرفتن رشوه به نفع وی حکم می‌کند]. پس این آیه نازل شد خداوند کعب بن اشرف را به خاطر افراط در دشمنی ورزیدن با پیامبر (ص) و سرکشی در برابر حدود [الهی]، «طاغوت» نامیده است، و یا او را به شیطان تشبیه کرده و به این نام نامیده است و یا خداوند انتخاب داوری «کعب» را به جای داوری رسول خدا (ص) داوری شیطان دانسته است به دلیل ذیل آیه که می‌گوید: و قد امروا أن یکفروا به و یرید

الشیطان آن یضلمهم آنها مأمورند که به طاغوت کفر بورزند و شیطان می خواهد آنان را از راه حق گمراه گرداند.

[سوره النساء (۴): آیات ۶۲ تا ۶۳] ... ص: ۶۱۶

اشاره

فَكَيْفَ إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَهُمْ ثُمَّ جَاؤُكَ يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا (۶۲) أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظُهُمْ وَ قُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا (۶۳)
ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۶۱۷

ترجمه ... ص: ۶۱۷

پس چگونه موقعی که بر اثر اعمالشان گرفتار مصیبتی می شوند به سراغ تو می آیند و سوگند یاد می کنند که منظور ما (از بردن داوری به نزد دیگران) جز نیکی کردن و توافق (میان طرفین نزاع) نبوده است؟! (۶۲) آنها کسانی هستند که آنچه را در دل دارند خدا می داند، از (مجازات) آنها صرف نظر کن و آنها را اندرز بده و با بیانی رسا، نتایج اعمالشان را به آنها گوشزد نما. (۶۳)

تفسیر: ... ص: ۶۱۷

«فَكَيْفَ»

چگونه است حال آنها إذا أصابتهم مصيبة یعنی هر گاه از ناحیه خدای متعال عقوبتی به آنها برسد بما قدمت أیدیهم، به واسطه داوری خواستن از غیر تو و اظهار خشم از حکم تو؟ ثم جاءوك آن گاه نزد تو آمده و معذرت خواهی می کنند. يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَ تَوْفِيقًا و سوگند می خورند که منظور ما از داوری خواستن از غیر تو جز کم کردن زحمت تو و ایجاد سازش میان طرفین دعوا با وساطت نبود، مقصود ما مخالفت با تو و خشم گرفتن بر حکم تو نبوده است.

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ خداوند از شرک، و نفاق آنان با خبر است فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ یعنی آنها را دنبال مکن زیرا مصلحت در باقی ماندن آنها بر شرک و نفاق است، وَ عِظُهُمْ و آنها را با گفتار خود موعظه کن، وَ قُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا و سخن بلیغ به آنها بگو که کاملاً در آنها تأثیر می کند، یعنی آنها را بترسان که اگر نفاق قلبی آنها آشکار شود کشته خواهند شد. و می توان گفت معنای آیه این است: هر گاه با خود خلوت کرده اند و کسی با آنها نیست، سخنی بلیغ به آنان بگو که در آنها تأثیر می کند زیرا نصیحت پنهانی مؤثرتر است.

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۶۱۸

[سوره النساء (۴): آیات ۶۴ تا ۶۵] ... ص: ۶۱۸

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمْ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً (۶۴) فَلَا وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيماً (۶۵)

ترجمه ... ص: ۶۱۸

ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر به این منظور که به فرمان خدا از وی اطاعت شود، و اگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم می‌کردند (و فرمانهای خدا را زیر پا می‌گذاشتند) به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار می‌کرد، خدا را توبه پذیر و مهربان می‌یافتند (۶۴) به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود مگر این که تو را در اختلاف خود به داوری طلبند، و سپس در دل خود از داوری تو احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند. (۶۵)

تفسیر: ... ص: ۶۱۸

ما هیچ گاه پیامبری از پیامبران خود را نفرستاده‌ایم إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ یعنی جز برای این که به خاطر فرمان خدا که به مردم امر کرده از پیامبران اطاعت و پیروی کنند، اطاعت شوند، زیرا آنها پیام رسانان خدایند پس اطاعت از آنان اطاعت از خدا و نافرمانی کردن از آنها، نافرمانی خداوند است. وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَ اگر آنان با به داوری طلبیدن طاغوت به خویشتن ستم کردند جاءوك و برای توبه از گناهایی که مرتکب شده‌اند، نزد تو می‌آمدند، فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَ از روی اخلاص از خداوند طلب آمرزش می‌کردند.

ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۶۱۹

وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ وَ نفرمود و استغفرت لهم و عدول از این گفته به روش التفات [توجه از خطاب به غیبت] برای تعظیم شأن رسول اکرم (ص) و با اهمیت دانستن استغفار او و توجه دادن به این است که شفاعت کسی که نامش فرستاده خداست دارای ارزش و حرمت است. لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً خدا را توبه پذیر می‌دانستند، یعنی توبه آنان را می‌پذیرفت. فَلَا وَ رَبِّكَ معنایش «فوری» است یعنی «واو» برای قسم و «لا» زائد و برای تأکید معنای قسم است چنان که در لَيْلًا يَعْلَمَ (حدید / ۲۹) لام زائد و برای تأکید بر وجوب علم است. لَا يُؤْمِنُونَ جواب قسم می‌باشد. حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ در صورتی آنها ایمان دارند که در مورد آنچه بر سر آن اختلاف دارند تو را، به داوری طلبند، و از همین ریشه است کلمه «شجر» (درخت) که به خاطر درهم بودن شاخ و برگهایش به این لفظ نامیده شده است. ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً یعنی آن گاه سینه‌ها (دلها) ایشان از قضاوت تو تنگ نمی‌شود. گفته‌اند: یعنی درباره حکم تو تردیدی به خود راه نمی‌دهند زیرا شک کننده، در کار خویش دچار تنگناست. وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيماً به حکم تو اعتقاد پیدا کرده و از آن پیروی می‌کنند چنان است که بگویی: تسلیم امر خدا باش و از او اطاعت کن. «تسلیم» تأکید برای فعل و به منزله تکرار آن است.

گفته‌اند: این آیه درباره زبیر و حاطب بن ابی بلتعنه [مردی از انصار] نازل شد، آنها بر سر مجرای آبی که از چاه کوچکی سرچشمه می‌گرفت و نخلستانهای خود را از آن آبیاری می‌کردند، اختلاف داشتند و برای حل آن نزد رسول خدا (ص) رفتند.

پیامبر به زبیر فرمود: باغ خود را آبیاری کن، سپس آب را برای همسایهات بفرست. ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۶۲۰

حاطب خشمگین شد و گفت: آیا این قضاوت به خاطر آن بود که زبیر عمّه زاده تو است؟ از این سخن رنگ چهره پیامبر تغییر کرد. آن گاه به زبیر فرمود: باغت را آب بده و جلو آب را بگیر تا برگردد به طرف دیوار و پس از آن که حق خود را به طور کامل به دست آوری آب را برای همسایهات بفرست. پیامبر (ص) نخست طوری به زبیر دستور داد که برای او و خصمش هر دو گشایش و آسایش بود، ولی چون حاطب با سخنی زشت پیامبر (ص) را به خشم آورد، آن حضرت با حکم صریح خود حق کامل زبیر را تعیین کرد.

سوره النساء (۴): آیات ۶۶ تا ۶۸] ... ص: ۶۲۰

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ اخْرَجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَ لَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِه لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَ أَشَدَّ تَثْبِيثًا (۶۶) وَ إِذَا لَأَتَيْنَاهُمْ مِنْ لَدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا (۶۷) وَ لَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (۶۸)

ترجمه ... ص: ۶۲۰

(ما تکلیف مشکلی بر دوش آنها ننهادیم) اگر (همانند بعضی از امم پیشین) به آنها دستور می‌دادیم یکدیگر را به قتل برسانند، و یا از وطن و خانه خود بیرون روند، تنها عده کمی از آنها عمل می‌کردند و اگر اندرزهایی را که به آنان داده می‌شد انجام می‌دادند، به سود آنها بود و موجب تقویت ایمان آنها می‌گردید (۶۶) و در این صورت پاداش بزرگی از ناحیه خود به آنها می‌دادیم (۶۷) و آنها را به راه راست هدایت می‌کردیم. (۶۸)

تفسیر: ... ص: ۶۲۰

اگر بر آنان [که از داوریه‌های عادلانه پیامبر (ص) ناراحت شدند] واجب می‌کردیم که مثل بنی اسرائیل یکدیگر را به قتل برسانند یا از وطن مورد علاقه خود بیرون روند. ما فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ جز عده کمی از آنان آن را انجام نمی‌دادند. و این نکوهشی رساست. رفع «قلیل» بنا بر این است که بدل از «واو» در «فعلوه» باشد، «إلا قلیلا» به نصب نیز قرائت شده است و نصب آن یا بر طبق اصل در «استثناء» می‌باشد و یا بر این اساس که تقدیر آن «إلا فعلا قلیلا» باشد. ترجمه جوامع الجامع، ج ۱، ص: ۶۲۱

